

کتاب یهودیه بنت مراری

شامل :

پیشگفتار

متن

کتاب یهودیه بنت مراری

پیشگفتار

قوای خود را به مأموریتی جنگی می فرستند که شکست می خورد و از برابر قوم بنی اسرائیل که به تازگی از اسارت بازگشته بود (یهودیه ۳:۴ و ۱۹:۵) مقهور شده و ادار به هزیمت می گردد. در حالی که طبق تاریخ در واقع نبوکدنصر بود که ساکنان اورشلیم را و ادار به تبعید از آن شهر نمود. سرفرمانده قوای مهاجمان، هولوفرن و خواجه سرای وی باگواس هردو دارای نام های پارسی اند که در متون خارج از کتاب مقدس، در شرح نبرد در زمان اردشیر سوم (۳۵۹-۳۳۸ ق.م) آمده است.^۱ در کتاب یوشع از شهری به نام بتول (۴:۱۹) در سرزمین قبیله شمعون که یهودیه نیز متعلق به آن بوده است نام برده می شود (۱:۸، ۲:۹). اما شهر بیت فولی که در کتاب یهودیه آمده در سامره، مجاور شهر دوتان و دشت ازدلولون یا یزرعیل واقع است. این شهر در بالای کوهی واقع بود و در سرایشی تندی، مجاور چشمه ای که دشت را آبیاری می کند قرار داشت. در واقع مکانی که پاسخگوی چنین موقعیت و چشم اندازی باشد شناسایی نشده است، اما این تنها مورد نیست. در سراسر این کتاب به نام هایی کاملاً آشنا از جمله نینوا، دمشق، صور و اورشلیم برمی خوریم

کتاب یهودیه بنت مراری مانند کتاب طوبیت و استر روایتی است پیرامون یک شخصیت اصلی که نجات الهی را در پایان وضعیتی پر مخاطره به تفصیل بیان کرده است. موضوع این کتاب در خصوص محاصره شهر کوچکی در فلسطین به نام بیت فولی است که با توجه به موقعیت آن، می توان از آنجا به تمام کشور و اورشلیم دسترسی یافت. بیوه ای پرهیزکار از شهر بیرون رفته خود را به اردوی دشمن می رساند و با زیبایی خیره کننده اش هولوفرن فرمانده کل سپاهیان دشمن را می فریبد و در جریان شب نشینی پرشوری، سرباز مست را از پای درمی آورد، سرش را گوش تا گوش می برد و در نتیجه دشمن شکست یافته مجبور به عقب نشینی می گردد.

جنبه تاریخی داستان

این روایت بیانگر مشکلات عدیده تاریخی است: در این داستان، نبوکدنصر پادشاه بابل، به عنوان پادشاه نینوا معرفی می گردد، شهری که در سال ۶۱۲ ق.م از سوی ارتش متحد پدر نبوکدنصر، نبوپلصر و مادها شکست خورده بود. وی که فاتح و منهدم کننده اورشلیم بود، برابر کتاب یهودیه،

۱- «نام های ایرانی» تألیف اُستی.

این که در زمان حکمرانی داریوش، پادشاه پارس، اورشلیم در محاصره وی بوده است و زنی به نام یهودیه با تظاهر به خیانت به قوم خود توانسته وارد اردوگاه دشمن شود. وی با هولوفرن سرفرمانده لشکر دشمن که شدیداً تحت جاذبه زیبایی وی قرار گرفته بود، در چادری جداگانه، در حال عشق بازی فرمانده را به قتل می‌رساند. بعداً بدون هیچ مشکلی در حالی که سر بریده فرمانده دشمن را بر بالای تیرکی بر حصار شهر اورشلیم می‌گذارد، به آنجا بازمی‌گردد. از این روایت چنین برمی‌آید که قهرمان زن خود را تسلیم فرمانده دشمن کرده است در حالی که روایت عهد عتیق خویشتن دارانه بوده و بیشتر صحبت از وعده و وعید معاشقه برای آینده بوده است (۱۲:۱۴).

با توجه به تنوع روایاتی که در این باره وجود دارد وجود جشن و مراسم یادبود چه طبق ترجمه ولگات از کتاب عهد عتیق و چه بسیاری از تفاسیر در مورد عهد عتیق، همه دلیل بر آن است که در اصل واقعه‌ای روی داده بود که در روایات این چنین انعکاسی داشته و احتمال می‌رود وقوع حادثه مربوط به دوران سلطه پارسیان بوده باشد زیرا در این دوران بود که پس از اقدام متهورانه یهودیه، صلحی نسبتاً طولانی برقرار گردید اما هیچ وسیله و امکانی برای تعیین دقیق تاریخ و ابعاد این رویداد و سرگذشت وجود ندارد.

سبک ادبی

سبک ادبی کتاب یهودیه با طبقه بندی‌های مرسوم زمان ما منطبق نیست و همان‌گونه که خواهیم دید موضوع اساساً شاید

که با نام‌های کاملاً ناشناخته‌ای مخلوط شده که علی‌رغم کوشش مفسران از هویت آنها اطلاعی بدست نیامده است. شهر راگو که در دشت مجاور آن جنگی درمی‌گیرد (۵:۱) احتمالاً باید شکل تغییر یافته همان شهر راگه در ماد واقع در شمال شرقی شهر اکباتان بوده باشد که از آن در کتاب طوبیت نیز نام برده می‌شود (۴:۱، ۵:۶) که همانا شهر ری کنونی [واقع در جنوب تهران] است. همواره چنین راه‌حل‌هایی وجود ندارد.

چنین اشکالاتی منجر به آن می‌شود که در این روایت نباید در انتظار روابط تاریخی بود، بلکه باید در نظر داشت که با نگارشی آزاد فقط منظور برجسته کردن آموزه‌ای است که فراروی خواننده قرار دارد. به هر تقدیر، بسیار احتمال دارد که در اصل رویدادی واقعی وجود داشته که این روایت انعکاسی از آن است زیرا قابل تصور نیست که در سراسر این داستان زنی با ابتکار خود نقشی به مراتب بیشتر از ملکه استر که توسط عموی خویش مردخای هدایت می‌گردید برعهده گرفته باشد.

از سوی دیگر، از روایت یهودیه در متون یهود (میدراش = تفسیر کتاب مقدس) بسیار یاد می‌شود (حدود ۱۲ روایت) که در ارتباط با عید حنوکا به یادبود تقدیس معبد به سال ۱۶۴ ق.م و سه سال بعد از بی‌حرمتی آنتیوخوس به آن می‌باشد. اوج مراسم در اورشلیم که در محاصره یونانی‌های انطاکیه با سلوکیه بود برگزار می‌گردید و زن قهرمانی که چون منجی از وی تجلیل به عمل می‌آمد غالباً گمنام بود.

سرانجام، دو واقعه نگار بیزانسی نیز موضوع را در نوشته‌های خود آورده‌اند از جمله

رویدادها زیاده روی شده اما نه مانند هیولاهای تخیلی مذکور در کتاب دانیال و مکاشفه و دیگر نوشته های غیر برحق مانند باب ۴ کتاب عزرا.

پایان کتاب یهودیه (۲۵:۱۶) به دوران طولانی صلح منجر می گردد و نه واژگونی و مصائب زمان آخر.

نویسنده و تاریخ نگارش کتاب

نویسنده نخستین این کتاب ناشناخته است. مسلماً وی روایت خود را به یکی از زبان های سامی نگاشته است. بعداً مقارن پایان قرن دوم میلادی یا حتی دیرتر از آن، اقتباس کننده ای یونانی متن هفتادتنان را به کار برده نسخه ای فراهم می آورد و با پیروی واژه به واژه، متنی بوجود می آورد که در مقایسه با متن عبری تفاوت هایی به صورت زیر دارد: یهودیه ۲:۶ = اش ۲۸:۱؛ یهودیه ۸:۱۶ = اعد ۲۳:۱۹؛ یهودیه ۹:۷؛ ۱۶:۲ = خروج ۲:۱۵؛ یهودیه ۱۰:۴ = پید ۳۸:۱۴؛ یهودیه ۱۰:۴ = اش ۳:۲۰؛ یهودیه ۱۴:۱۸ = ۱- سمو ۱۳:۳؛ یهودیه ۱۶:۱۲ = ۱- سمو ۲۰:۳. این نگارنده یونانی روی متنی به یکی از زبانهای سامی و شاید احتمالاً عبری کار کرده، گاه با ترجمه کلمه به کلمه آن همان گونه که از اصطلاحات مختلف آن که با امانت در سبک عبری منعکس است مشهود می باشد و گاه با اقتباسی آزاد همان گونه که تفاوت های آشکار آن از متن ولگات پیداست.

اما درباره نسخه اولیه آن به زبان سامی، احتمالاً شکل نهایی خود را در دوره قیام مکابیان علیه ظلم و ستم یونانیان به دست

دارای جنبه تاریخی نباشد و حتی داستانی تاریخی که رویدادهای خیالی را در قالب های تاریخی کاملاً مشخصی قرار می دهند نیز نیست و سرانجام داستانی کاملاً تخیلی نیز نمی تواند به شمار آید. این روایت، بازخوانی تفسیری از کتاب مقدس است که در آن هسته موضوع که می توان آن را واقعی تلقی کرد با آزادی زیادی پرورش داده شده، شرح ماقوع بسط و توسعه یافته و با الهام از اشارات و کنایه های کتاب مقدس شکل گرفته است. نویسنده از بسیاری از رویدادهای تاریخ بنی اسرائیل الهام گرفته است از جمله: حيله تamar (پید ۳۸)، قتل عجلون توسط ایهود (داور ۳:۱۲-۳۰) و قتل سیسرا به دست یاعیل (داور ۴:۵)، نبرد داود و جلیات (۱- سمو ۱۷) و مداخله ایجایل نزد داود (۱- سمو ۲۵) ... به این ترتیب بافتی منسجم (و شاید کاملاً منطبق با واقعیات) از ماجرا وجود دارد که بر این اساس با آزادی هر چه تمامتر طبق تفصیل بعدی از کتاب مقدس بازسازی شده است که همه این جریان ها درس و سرمشقی در جهت بیان هدف نهایی بوده است.

در این باره می توان از امثال سخن گفت اما در آن صورت باید دقت کرد که مبدأ آن از روایتی باید بوده باشد که از پیش وجود داشته و نه روایتی که برای برجسته کردن تعلیم و یک الگوی خاص آموزه ای ابداع شده، زیرا سرمشق هایی که از این کتاب می توان بدست آورد محدود به نقطه نظر خاصی نیست.

از نوشته های مکاشفه ای نیز در این باره صحبت شده است اما چنین مقایسه ای بسیار دور از ذهن است. مسلماً درباره برخی

می باشد که با هم تفاوت بسیار دارند تا آنجا که حتی اگر لزوم ترجمه جدیدی مطرح نباشد، یک تجدید نظر اساسی و عمیق ضروری است تا بتوان به متن اصلی یونانی رسید. هنوز نسخه کاملی وجود ندارد و در حال تدارک است.

نسخ سریانی به متن قدیمی لاتین مشابهت بیشتری دارند. ولگات یا ترجمه جدیدتر به اهتمام جروم قدیس (مقارن ۴۰۰ میلادی) از روی نسخه ای به زبان آرامی به وجود آمد. همان طور که خود می گوید تهیه این متن با سرعت بسیار با استفاده از متون لاتین پیشین و حذف یا تغییر شکل آنچه با زبان آرامی منطبق نبوده صورت پذیرفته است. متن لاتین فراهم شده به طرز محسوسی کوتاه تر از متن یونانی است. به هر حال، از آنجا که این متن چند بخش نابرابر با متن یونانی دارد و نظم و ترتیب وقایع آن رضایت- بخش نیست لذا می توان مطمئن بود که جروم قدیس بایستی عملاً از نمونه ای آرامی استفاده کرده باشد که آن نسخه مفقود شده است.

سرانجام از این کتاب سه متن عبری سواي ترجمه های عبری هم وجود دارد که از قرن شانزدهم میلادی به بعد جایگزین هم شده اند. این متون کهن تر که اخیراً توسط آ. ام. دوبارل^۴ مورد ویراستاری های مجدد قرار گرفته از متن ولگات، آیه به آیه پیروی کرده است. اما گاه واژه ها با هم متفاوت اند و از این قبیل تفاوت ها در خود کتاب هم دیده می شود. این امر مسأله ای را پیش کشیده، چرا که تاکنون روشن شده این متون از روی نسخه ولگات فراهم آمده اند.

آورد. ادعای نیوکد نصر که می خواست به عنوان تنها خدا در سراسر زمین شناخته شود (یهودیه ۳: ۸؛ ۲: ۶) با آنچه در کتاب دانیال (۳۶: ۱۱-۳۷) به عنوان پادشاه ظالم (آنتیوخوس اپیفانوس) آمده قابل مقایسه می باشد. راوی با بهره گیری از روایتی بدون تردید کهن تر و با یادآوری از مثال های گذشته که خدای بنی اسرائیل حتی در بزرگترین مخاطره ها دشمن را مقهور ساخته و در صورتی که ایمانداران به بت پرستی روی نیاورده باشند آنها را ترک نگفته و رها نکرده خواسته است به هموطنان خود که تورات و معبدشان مورد تهدید قرار گرفته بود قوت قلب ببخشد. نام یهودیه (به معنی زن یهودی) نماد قومی است که به مقاومت در برابر ظلم بیگانگان فراخوانده شده است.

متون

متن اولیه به زبان یونانی است که از ترجمه آزاد و دست کاری متنی سامی فراهم آمده است. می توان از توزیع چنین نسخه هایی در بسیاری از گروه ها که بنا بر دید نویسندگان نشان با پرداختن به موضوع به شمار سه، چهار یا حتی پنج نسخه می رسد یاد کرد. ترجمه حاضر کلاً از روی گروه بسیار شناخته شده قرن چهارم یا پنجم که با خط درشت توسط آ. رالفس^۲ و سیتواجینتا^۳ نوشته شده ویراستاری گردیده است، اما در برخی موارد از شواهد دیگری نیز یاد می شود.

نسخه های لاتین قدیمی که از روی نسخه های یونانی تهیه شده اند شامل شش گروه

۳- Septuaginta

۲- A. Rahlfs

۴- A. M. Dubarle

در بر حق بودن کتاب

در عهد جدید، نامی از کتاب و شخصیت یهودیه برده نمی‌شود. با وجود این شباهت‌های فکری و طرز بیان و اصطلاحاتی وجود دارد دال بر این که بایستی نسل اولیه مسیحیان با این کتاب آشنا بوده باشد. موارد برگزیده زیر شاهدهی بر این ادعاست: یهودیه ۱:۱۱ و لو ۲:۲۷:۱- تیمو ۵:۵؛ یهودیه ۸:۱۴ و ۱-قرن ۲:۱۱؛ یهودیه ۸:۲۵ و یع ۱:۲؛ یهودیه ۱۳:۱۸ و لو ۱:۴۲؛ یهودیه ۱۳:۱۹ و مت ۲۶:۱۳. اما قرابت و نزدیکی بسیار چشمگیر فقط در کتاب مقدس ولگات است: یهودیه ۸:۲۴-۲۵ و ۱-قرن ۱۰:۹-۱۰.

اهمیت مذهبی کتاب

بدیهی است کتاب یهودیه برای تقویت روحیه یهودیان در دورانی که خطر مشرکان آنها را تهدید می‌کرد نوشته شده است. اما تنها وجود و بقای ملی نبود که در معرض خطر قرار داشت بلکه عبادت خدای راستین نیز به خطر افتاده بود.

کتاب در برگیرنده بسیاری از عوامل و عناصری است که با کتاب مقدس وجه اشتراک کامل دارند و علاوه بر این دارای برخی نقطه نظرهای بدیع و اصیل نیز هست که نباید جریان فاجعه آمیز آن باعث اختفای این نظرها گردد و اشاره به نکاتی از آنها به هر حال می‌تواند مفید باشد.

خدا نسبت به انسان در مرتبه‌ای متعال قرار دارد. تدابیر و مشیت خداوند نسبت به انسان سرشار از بخشایش و رحمت است اما فراخنا و عمق آن از حد تخمین بیرون است و

ربیون یهود اجازه نداده اند که کتاب یهودیه بنت مراری در مجموعه رسمی نوشته‌های مقدس گنجانده شود. به این دلیل در جامعه مسیحی قدیم، همان‌گونه که در مورد سایر کتاب‌ها هم در اوضاع و احوالی مشابه تردید به وجود می‌آمد و اغلب منشاء این تردیدها دانشمندان یهود بوده‌اند که در بررسی متون برحق، سابقه و تخصص داشته‌اند در این مورد هم تردید بوجود آمد. اما با این وجود کاربرد گسترده‌ای داشته، چنانچه از اشارات متعددی که نویسندگان مسیحی حتی آنانی که از نظر تئوری با این کتاب مخالفت داشته‌اند برمی‌آید.

در فهرستی از کتاب‌های برحق متعلق به اسقف شهر رم اینوسان اول^۵ در سال ۴۰۵ میلادی، کتاب یهودیه و دیگر کتاب‌هایی که بعداً در شورای مذهبی فلورانس (۱۴۴۲) و شورای مذهبی واتیکان اول (۱۵۴۶) جزو متون برحق مورد تأیید قرار گرفتند، وجود داشت.

اصلاح طلبان قرن شانزدهم در مورد عهد قدیم از لحاظ برحق بودن متن از دیدگاه یهود سخت‌گیرتر بوده‌اند و الهیون پروتستان آن کتاب‌ها را هر چند از نظر آنها دارای برخی جنبه‌های اعتباری بود باز تحت عنوان «تحریفی یا جعلی» شناختند و جزو متون برحق به شمار نیاوردند و این همان کتاب‌هایی است که نویسندگان کاتولیک، پس از جریان مخالفت با اصلاح طلبی آنها را متون متأخر برحق نامیدند.

یهودیه در جریان جنگ، با دارا بودن حق دفاع مشروع، فرماندهی را که به خاطر جریحه دار شدن حیثیت اش قصد نابودی قوم بنی اسرائیل و ایمان و اعتقاد وی را دارد به قتل می‌رساند.

می‌توان نزدیک‌ترین شباهت با یهودیه را وضعیت یاعیل دانست که سیسرا را هر چند به طور مستقیم چیزی را مورد مخاطره قرار نداده بود در حالی که قبیله شوهرش با یابین پادشاه حاصور و رئیس سیسرا در صلح بسر می‌برد به قتل رساند (داور ۴: ۱۷-۲۲).

یهودیه در صدد جذب و فریب هولوفرن نبود و مسلماً هرگز تصمیم نداشت که در این باره توهمی ایجاد کند بلکه با وقاری توأم با متانت رفتار کرد. در واقع سودای فرد مشرکی بود که در اختیار یک زن قوی و پاک نهاد قرار گرفته بود. یهودیه آماده بود که به یمن یک زندگانی سراسر نیایش و بزرگ منشی به یاری خدا و خویشتن داری خود در برابر وضعی کاملاً مخاطره‌انگیز قرار گیرد.

در کتاب یهودیه کوچکترین اثری از برداشتی متعصبانه از تورات موسی یا وسوسه‌ها و دغدغه‌های خاطر دانیال و همراهانش درباره طهارت خوراک‌ها دیده نمی‌شود (دان ۱: ۸-۱۶). روزه گرفتن بیوه جوان نمودی طبیعی در مورد عزا و کفاره است. همچنین است نادیده گرفته شدن برخی از فرایض در روزهای خاص و عیدها (۸: ۶). خطاب وی به هولوفرن در بیان نظریه‌ای که نویسنده کتاب می‌خواهد القا کند نیست بلکه بیشتر به خاطر فریب دشمن است تا در وی این باور را ایجاد کند که ساکنان بیت فولی مدافعانی سهل‌انگارند که در قید اوهام و

طول زمانی که خدا وفاداران به خود را در معرض تجربه قرار می‌دهد قابل اندازه‌گیری نیست (۸: ۱۴). بین عظمت و اعتلاء و شکوهی که از آن خداست و قربانی‌ها و پیشکش‌هایی که بشر به خدا تقدیم می‌دارد مطلقاً وجه تناسبی وجود ندارد (۱۶: ۱۶). مشیت خدا در کنار همه علل فرعی در حال عمل است: هیچ‌گونه اعجاز یا عمل خارق‌العاده‌ای در این روایت وجود ندارد. همه ناشی از جاه‌طلبی‌های سودا زده انسان، ترس یا لذات شهوی از یک سو برعکس ایمان و همت یهودیه از سوی دیگر است.

در این روایت شخصیت اصلی و معمار و بانی نجات قوم، زنی بیش نیست. اما او تنها کسی است که در آن هنگامه خود را نباخته است. با بینش و درکی که دارد، رؤسای حکومتی شهر بیت‌فولی را به مقاومت و پایداری فرا می‌خواند. حتی بدون یاری آنان خود به تنهایی نقشه متهورانه و پرشهامت خود را به مرحله اجرا می‌گذارد و پس از آن زندگانی را توأم با ارزش‌هایی که فراتر از وظایف همسری و مادری است ادامه می‌دهد. در این ماجرا مشخصه‌ای مربوط به زن وجود دارد که به وضوح از مقیاس‌های مشابهی که در سایر موارد عهدقدیم آمده، فراتر می‌رود.

مکر و حيله یهودیه به خودی خود نشانی از فضیلت در بر ندارد اما رفتاری حاکی از پستی و حقارت نیز نیست که آن را نقض عهدقدیم پیش از آمدن مسیح که مستوجب عفو است بدانیم. با مقایسه مثال‌های متعدد از مکر و حيله زنان در کتاب‌های توصیفی کتاب مقدس که مفصل شرح داده شده است باز در اینجا کفه ترازو به سود یهودیه سنگینی می‌کند.

رویدادها زیاده روی شده اما نه مانند هیولاهای تخیلی مذکور در کتاب دانیال و مکاشفه و دیگر نوشته های غیر برحق مانند باب ۴ کتاب عزرا. پایان کتاب یهودیه (۲۵:۱۶) به دوران طولانی صلح منجر می گردد و نه واژگونی و مصائب زمان آخر.

نویسنده و تاریخ نگارش کتاب

نویسنده نخستین این کتاب ناشناخته است. مسلماً وی روایت خود را به یکی از زبان های سامی نگاشته است. بعداً مقارن پایان قرن دوم میلادی یا حتی دیرتر از آن، اقتباس کننده ای یونانی متن هفتادتنان را به کار برده نسخه ای فراهم می آورد و با پیروی واژه به واژه، متنی بوجود می آورد که در مقایسه با متن عبری تفاوت هایی به صورت زیر دارد: یهودیه ۲:۶ = اش ۲۸:۱؛ یهودیه ۸:۱۶ = اعد ۲۳:۱۹؛ یهودیه ۷:۹؛ ۱۶:۲ = خروج ۲:۱۵؛ یهودیه ۴:۱۰ = پید ۳۸:۱۴؛ یهودیه ۴:۱۰ = اش ۳:۲۰؛ یهودیه ۱۸:۱۴ = ۱- سمو ۱۳:۳؛ یهودیه ۱۲:۱۶ = ۱- سمو ۲۰:۳. این نگارنده یونانی روی متنی به یکی از زبانهای سامی و شاید احتمالاً عبری کار کرده، گاه با ترجمه کلمه به کلمه آن همان گونه که از اصطلاحات مختلف آن که با امانت در سبک عبری منعکس است مشهود می باشد و گاه با اقتباسی آزاد همان گونه که تفاوت های آشکار آن از متن ولگات پیداست.

اما درباره نسخه اولیه آن به زبان سامی، احتمالاً شکل نهایی خود را در دوره قیام مکابیان علیه ظلم و ستم یونانیان به دست

دارای جنبه تاریخی نباشد و حتی داستانی تاریخی که رویدادهای خیالی را در قالب های تاریخی کاملاً مشخصی قرار می دهند نیز نیست و سرانجام داستانی کاملاً تخیلی نیز نمی تواند به شمار آید. این روایت، بازخوانی تفسیری از کتاب مقدس است که در آن هسته موضوع که می توان آن را واقعی تلقی کرد با آزادی زیادی پرورش داده شده، شرح ماقوع بسط و توسعه یافته و با الهام از اشارات و کنایه های کتاب مقدس شکل گرفته است. نویسنده از بسیاری از رویدادهای تاریخ بنی اسرائیل الهام گرفته است از جمله: حيله تamar (پید ۳۸)، قتل عجلون توسط ایهود (داور ۳:۱۲-۳۰) و قتل سیسرا به دست یاعیل (داور ۴:۵)، نبرد داود و جلیات (۱- سمو ۱۷) و مداخله ایجایل نزد داود (۱- سمو ۲۵) ... به این ترتیب بافتی منسجم (و شاید کاملاً منطبق با واقعیات) از ماجرا وجود دارد که بر این اساس با آزادی هر چه تمامتر طبق تفصیل بعدی از کتاب مقدس بازسازی شده است که همه این جریان ها درس و سرمشقی در جهت بیان هدف نهایی بوده است.

در این باره می توان از امثال سخن گفت اما در آن صورت باید دقت کرد که مبدأ آن از روایتی باید بوده باشد که از پیش وجود داشته و نه روایتی که برای برجسته کردن تعلیم و یک الگوی خاص آموزه ای ابداع شده، زیرا سرمشق هایی که از این کتاب می توان بدست آورد محدود به نقطه نظر خاصی نیست.

از نوشته های مکاشفه ای نیز در این باره صحبت شده است اما چنین مقایسه ای بسیار دور از ذهن است. مسلماً درباره برخی

درون آنها را بیازماید و درس سختی می‌دهد تا چیزها بیاموزند (یهودیه ۸:۲۵-۲۷). در این حالت نیز یهودیه بنت مراری سراپا اعتماد به نفس است و سرشار از یقین زیرا می‌داند که برخلاف گذشته قوم یهود، اکنون محکوم به بت پرستی نیست (۸:۱۸-۲۰) لذا مصیبت و بدبختی محاصره شدگان نشانی از خشم خداوندی نیست بلکه فراخوانی به فضیلتی برتر است تا همه خود را برای نجات دیگران و حفظ و نگهداری شهر مقدس فدا کنند (۸:۲۱-۲۴) و یهودیه این قسمت را نصیب خویشتن ساخته بود (۱۳:۲۰) لذا با سپاس از عنایت الهی باید طالب رنج نیز بود (۸:۲۵).

فرمانروایان و حکمرانان بزرگ اغلب دارای روحیه‌ای متکبرانند که موجب مبارزه طلبی آنان است. ادعای نبوکد نصر که همه ساکنان زمین او را چون خدایان به شمار می‌آوردند (یهودیه ۳:۸) فراتر از ادعاهای پادشاهان تاریخ چون اسکندر مقدونی و جانشینان وی یا حتی داریوش، تخیلی و ساخته دانیال نبی (۶:۸) بوده است. نویسنده در این مورد از اش ۱۴:۱۳-۱۴، حزق ۲۸ و شاه ظالم مذکور در دان ۱۱:۳۶ الهام گرفته است.

افکار بی‌معنایی قرار دارند. در واقع، کتاب نسبت به مقررات تورات بی‌توجهی نشان می‌دهد. یهودیه بیوه قهرمان فرزندی ندارد (رک. ۲۴:۱۶) اما هرگز در صدد عقد ازدواج دیگری به صورت عقد ابدالی^۶، مرسوم یهود برابر دستورهای مندرج در کتاب تثیه (۲۵:۵-۱۰) نبوده است. آخپور آمونی، علی‌رغم مخالفت تورات (تث ۲۳:۴، رک. نح ۱۳:۱-۳) در جامعه بنی اسرائیل پذیرفته شده بود (یهودیه ۱۴:۱۰). این‌ها نشانه‌هایی از روحیه آزادیخواهانه‌ای است که بیشتر در فکر تهیه امکانات دسترسی همه بشر به خدای حقیقی است تا صرفاً با رعایت یک سلسله موانع و معاذیر حمایت از قومی که برگزیده معروف شده است.

بدین ترتیب، می‌توان درکی لطیف‌تر از تورات داشت و در انطباق با مقتضیات خاص و فرعی به جای رعایت توراتی مطلق و غیر قابل انعطاف روی به توراتی آورد که درکی انعطاف پذیرتر را ممکن می‌سازد.

رنج که موضوع همیشگی نویسندگان الهامی است، لزوماً و همیشه عقوبتی برای زدودن گناهان قوم یا فرد نباید محسوب گردد. رنج خود تجربه‌ای از سوی خداست و به نزدیکان خود تحمیل می‌کند تا قلب و

کتاب یهودیت بنت مراری

جنگ بین نبوکدنصر و ارفکشاد

۱ در^a دوازدهمین سال سلطنت نبوکدنصر که بر آشوریان در نینوی شهر بزرگ سلطنت می کرد به روزگار ارفکشاد که بر مادها در اکباتان سلطنت می نمود،^۲ آن کس که به گرداگرد اکباتان حصارهایی از سنگ تراشیده بنا کرده بود، به عرض سه ذراع و به طول شش و بلندی حصار هفتاد ذراع و پهنای آن پنجاه ذراع بود.^۳ بر دروازه های شهر برجهایی برافراشت (به بلندی) صد ذراع که پی آن به شصت ذراع می رسید.^۴ و دروازه هایی ساخت به بلندی هفتاد ذراع با پهنای چهل، برای خروج لشکر جنگاورش و رژه پیاده نظامش.

۲ پاد ۲۴:۱
دان ۱-۴
۲ پاد ۱۹:۳۶
طو ۱۰:۳۰
پید ۱۰:۲۲

عز ۲:۶

۵ در این ایام نبوکدنصر، ارفکشاد پادشاه را در دشت بزرگ یعنی دشتی که در سرزمین رعواست شکست داد.^۶ همه ساکنان کوهستان و همه ساحل نشینان فرات، دجله، ریادسون و مردمان ناحیه اریوک، پادشاه ایلامیان و ملل بیشمار که

پید ۱۴:۱۰
۲۲:۱۰

گرد آمده بودند برای شکست بنی کلعود^c به وی پیوسته^b بودند.

۷ نبوکدنصر، پادشاه آشوریان به همه کسانی که ساکن پارس و همه کسانی که ساکن نواحی غربی بودند، به کسانی که ساکن قلیقیه، دمشق، لبنان و ماوراء لبنان بودند، به همه کسانی که ساکن سواحل دریا بودند،^۸ به ملل کرمل و جلعاد و جلیل علیسا و دشت بزرگ یزرعیل،^۹ به همه سامری ها و شهرهایشان، و ماوراء اردن تا اورشلیم، بتانه، کلوس، قادش، مسیل مصر، تحفنیخس، رامسس و همه سرزمین جوشن،^{۱۰} تا بالای صوعن و ممفیس و همه ساکنان مصر تا کناره های مرزهای حبشه، قاصدانی^d فرستاد.^{۱۱} همه ساکنان تمامی سرزمین ها، دستور نبوکدنصر پادشاه آشوریان را خوار شمرده برای جنگ به وی نپیوستند زیرا از وی ترس نداشتند و در برابرش یک تنه^e ایستادگی کرده، قاصدانش را سراپا شرمگین با دست خالی بازگرداندند.^{۱۲} نبوکدنصر علیه همه این کشورها به خشمی

۳:۷، ۶:۴، ۹:۳

۱ سمو ۲۵:۱۱
۲ سمو ۱۰:۴

a. در (در دوازدهمین)، به این خاطر به متن اضافه شده تا از تصور زمانی دراز که تنها به آیه ۵ پس از یک جمله معترضه درباره ساختمان ها و حصارهایی که ارفکشاد بنا می کند پایان می پذیرد، احتراز به عمل آید.

b. پیوستن به عنوان یاری و کمک.

c. بی تردید باید گمان برد که پسران کلعود کلدانی بوده اند.

d. قاصدانی: برای وضوح بیشتر به جمله افزوده شده است. در زبان یونانی به جای یزرعیل، Esderion آمده است.

e. یعنی متفقاً تقریباً همه دست نوشته های متن لاتین، چه عهد عتیق و چه ولگات درباره پایداری یا اتفاق نظر در برابر نبوکدنصر اشاره کرده اند. متن یونانی و برخی از نسخ لاتینی چنین آورده اند: اما وی (نبوکدنصر) علیه آنان بود (یا روبه روی آنان بود) یک تنه (یا بسان مردی تنها) اصطلاح نامانوسی است چنین تفسیر به عمل آمده است: «چون یک فرد جدا افتاده از کسی ترس نداشت» متن یونانی بدون تردید مورد دستکاری قرار گرفته است.

دان ۱۲:۲؛ سوگند یاد کرد که همه سرزمین های قلیقیه، دمشق و سوریه را به سزایشان برساند و با شمشیرش همه ساکنان سرزمین های موآب، بنی عمون، سراسر یهودیه و همه مصریان را تا کرانه های دو دریا نابود کند. ۱۳ در سال هفدهم با لشکریانش به جنگ ارفکشاد پادشاه شتافت و در این جنگ پیروز گردید: همه لشکریان ارفکشاد، همه آسواران و همه گردونه هایش را از پای درآورد. ۱۴ مالک شهرهایش گردید و تا اکباتان پیش آمده، برج ها را متصرف، کوچه ها را ویران و با کبکبه خود، مایه ننگ وی را فراهم آورد. ۱۵ ارفکشاد را در کوهستان های رعو دستگیر کرده (تنش) را به نیزه ها سوراخ و برای همیشه^f وی را از بین برد. ۱۶ سپس وی و همه اوباشان وی، انبوه عظیم مردان جنگی بازگشته و به مدت صد و بیست روز در آنجا مانده وی و لشکرش به عیش و نوش پرداختند.

لشکرکشی علیه غرب

۲^۱ در سال هیجدهم، بیست و دومین روز از ماه نخست در سرای نبوکد نصر پادشاه آشوریان، گوشمالی همه سرزمین ها برابر آنچه وی گفته بود مطرح شد. ۲ همه افسران عالی رتبه و همه بزرگان

f- تحت اللفظی: تا به امروز.

g- معنایش به نظر مشکوک و ممکن است برداشتی از متون متوازی ۱- سمو ۷:۲۰، ۹: ۱۷:۲۵ باشد.

h- تحت اللفظی: و وقتی به انجام رساند، آمد. این عبارت برداشتی از کتاب اول پادشاهان ۸:۵۴ است که در متی ۷:۲۸؛ ۱۱:۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱۹؛ ۲۶:۱ بعد از هر موعظه طولانی دیده می شود.

i- همه خطابه های نبوکد نصر مملو از عباراتی است که در دیگر جاها در کتاب مقدس یا به خدا نسبت داده یا به زبان وی جاری می شد: «سرور همه زمین ها»، «گفته ام و عمل خواهم کرد» و جز آن. این کاربرد دوباره از سر تفسیر یهود در واقع خواهان نشان دادن نوعی از غرور کفرآلود در پادشاه دشمن می باشد.

j- عبارتی با ریشه پارسی حاکی از اطاعت و فرمانبرداری.

را دعوت و طرح سرّی خویش را به آنان بازگو و با دهان خود ویرانی کامل سراسر زمین^g را اعلام نمود. ۳ و تصمیم گرفته شد هر کس را که به سخن دهان وی اطاعت نکرده است نابود کنند^۴ آنگاه پس^h از شورای وی، نبوکد نصر پادشاه آشوریان، «هولوفرن» فرمانده لشکریانش را که جانشین وی بود فراخوانده به او گفت: ۵ «پادشاه بزرگ سرور همه زمین^۱ چنین می گوید: اینک، به محض دور شدن از حضور من با خود مردانی که به نیرویشان مطمئن باشند، در حدود صد و بیست هزار پیاده نظام و تعداد زیادی اسبان با آسواران به شمار دوازده هزار برداشته^۶ و به مقابله همه کشورهای که در مغرب قرار دارند برو زیرا آنان از دستور دهان من نافرمانی کرده اند. ۷ آنان را وادار به تهیه زمین و آب^۱ خواهی کرد، زیرا در خشم خویش علیه ایشان خواهم تاخت و سراسر زمین را در زیر گام های لشکریان خود خواهم پوشانید و به تاراج، به ایشان خواهم سپرد. ۷:۲۱ حرق^۷ ویرانه هایشان از مجروحان پر خواهد شد و همه مسیل ها و رودخانه ها از مردگان نشان مملو خواهد شد تا از حد بگذرد. ۹ و زندانیانشان را به دورترین سرزمین ها خواهم کشاند. ۱۰ حال تو حرکت کن برایم همه قلمروهایشان را اشغال خواهی کرد.

پید۶:۱۷

۱۹:۱۸ پاد۲

یوشع۳:۱۱

مز۵:۴۷

میک۴:۱۳

زک۴:۱۴

ملا۱:۱۴

حزق۳۸:۹

۱۶-۱۵

حزق۷:۲۱

حزق۳۲:۵-۶

۸:۳۵

نش۲۸:۶۴

- ۱ یاد ۲۷:۲۲ اگر تسلیم تو گردند برای روز عقوبتشان
برایم نگاهشان خواهی داشت، اما کسانی
که بی اطاعتی کنند^{۱۱} در نگاهت بر ایشان
رحمی نباشد: در همه سرزمین خود آنها را
قتل عام کن و اموالشان را به یغما ببر.
^{۱۲} زیرا تا زمانی که زنده ام و قلمرو من
پا برجاست، گفته ام و با دست خود انجام
خواهم داد! ^{۱۳} بر توست که از هیچ یک از
دستورهای سرور خود تخطی نکنی بلکه
مجری دقیق آنچه ترا فرمان داده ام باشی و
بدون درنگ آنها را به انجام رسانی».
- ^{۱۴} هولوفرن از حضور سرور خویش دور
شد؛ همه روسا، سرداران و افسران لشکر
آشور را فراخواند. ^{۱۵} مردان برگزیده^k را
برابر آنچه سرورش دستور داده بود برای
نبرد برگزید: در حدود صد و بیست هزار
مرد به علاوه دوازده هزار تیرانداز سوار
^{۱۶} و آنان را به شیوه‌ای آرایش داد که
انبوهی منظم برای کارزار تشکیل شد.
^{۱۷} برای باربری تعدادی بیشمار اشتران،
حماران و استران برگرفت و برای
آذوقه شان، گوسفندان، گاو و بز که از
شمار بیرون بود. ^{۱۸} و خواربار برای هر مرد
به مقدار کافی به همراه زر و سیم از خزانه
پادشاهی، به مقدار عظیم. ^{۱۹} سپس به راه
افتاد، وی و همه لشکریانش به همراه وی
برای اجرای دستور نبوکدنصر پادشاه و
پوشاندن چهره همه سرزمین های غرب با
گردونه ها، آسواران و پیاده نظام برگزیده.
- ^{۲۰} به همراه ایشان اوباشان بیشمار بسان
ملخان و غبار زمین به راه افتادند، به علت
کثرت ایشان شمارش آنها ممکن نبود.
^{۲۱} در مدت سه روز پیاده از نینوا دور یون^{۳:۳}
شدند و به سوی دشت «بکتیله» رفتند و از
بکتیله برای اردو زدن به نزدیک کوهی که
در چپ قلیقیه علیاست عازم شدند.
^{۲۲} هولوفرن با برگرفتن همه لشکریان، پیاده
نظام و آسواران و گردونه هایش از آنجا
به سوی کوهستان عزیمت کرد، ^{۲۳} فود و لود
را به ضربتی از پای درآورد و همه ابناء
راسیس و اسماعیل را که در حواشی صحرا
در جنوب سرزمین خلثون بودند لگدکوب
کرد. ^{۲۴} فرات را درنور دیده، بین النهرین را
قطع و همه شهرهای آباد را که مشرف بر
مسیل عبرونه تا کرانه های دریا بودند ویران
کرد. ^{۲۵} قلمرو قلیقیه را اشغال و همه
کسانی را که در برابرش پایداری کرده
بودند، تکه تکه کرد و به حدود «یافت»
که رو به جنوب در برابر عربستان است
رسید. ^{۲۶} همه ابناء مدیان را محاصره،
اردوگاهایشان را آتش زده و محوطه آنها را
غارت کرد. ^{۲۷} و به وقت برداشت گندم به
سوی دشت دمشق سرازیر گردیده، همه
کشتزارهای آنها را به آتش کشاند و همه
حیوانات بزرگ و کوچک را معدوم کرد،
شهرهایشان را مورد هجوم قرار داده و
دشت هایشان را غریبال کرده همه جوانانشان
را از دم تیغ^l گذراند. ^{۲۸} ترس و وحشتی^m خروج^{۱۶:۱۵}

k ضابطه ای که از کتاب پیدایش گرفته شده است ۱۴:۱۴ (متن یونانی) که معنای اصلی آن در عبری است و به احتمال قوی
معنایش «به خدمت گرفتن= نام نویسی و بسیج جنگاوران طرفدار» بوده است.

l - در اصل از دهان تیغ است که اصطلاحی جاری در زبان عبری است [ما به ملاحظه زبان فارسی از اصطلاح جاری: دم تیغ استفاده کرده ایم].
m. تحت اللفظی: ترس و لرز از وی اصطلاح از خروج ۱۶:۱۵ گرفته شده و در کتاب یهودیه ۱۲:۱۵ هم دیده می شود.

را پذیرا شدند.^۸ با وجود این، قلمرو آنان از ویرانی در امان نماند، جنگل مقدس آنان ویران شد و عزم کرده بود^P تا تمامی خدایان سرزمین را از بین برده همه ملل را مجبور کند که تنها نبوکدنصر را عبادت کنند و همه زبان ها و قبایل آنان وی را

دان ۸:۶؛
۱۱:۳۶؛
۲:۲۳؛

چون خدا نام برند.^۹ وی مقابل یزرعیل^{۸:۱} نزدیک دوتایا^۹ که در مقابل سلسله کوه های یهودیه^۲ است رسید.^{۱۰} بین جبعه و سکا شهر اردو زده یک ماه تمام برای جمع آوری بارهای لشکریانش اقامت کرد.

آماده باش و نیایش عمومی در یهودیه

^۱ بنی اسرائیل که ساکن یهودیه بودند، از آنچه هولوفرن فرمانده لشکریان نبوکدنصر پادشاه آشوریان بر سر بیگانگان آورده و چگونه همه معابد آنها را تاراج و به دست ویرانی سپرده بود با خبر شدند.^۲ آنان را ترسی عظیم، ترسی بسیار عظیم فراگرفت و با نزدیک شدن وی به خاطر اورشلیم و برای معبد خداوند خدایشان پریشان شدند.^۳ در واقع دیری نمی پایید که از اسارت بازگشته بودند و پس از اندک زمانی همه قوم یهود به گرد هم آمده بودند و اموال منقول، قربانگاه و معبد^۵ پس از آن بی حرمتی، تقدیس شده بودند.^۴ پس قاصدانی به تمامی

۲ پاد ۱۸:۳۳-
۳۵:۱۹؛
۱۷-۱۹

۲ مک ۱۳:۱۰-
۱۴:۳۶

عز ۱۴:۶-۲۲؛
حزق ۳۸:۸

که او موجب گردید بر ساکنان ساحل صور و صیدون و بر ساکنان صور و عکینا، بر همه ساکنان یمینا و کسانی که ساکن اشدود و اشقلون بودند فرود آمد و ترسی عظیم آنان را فرا گرفت.

اعزام سفیران نزد هولوفون که کشور را مطیع ساخت

لو ۱۴:۳۲ ^۳ آنان قاصدانی حامل سخنانی صلح آمیز به سوی فرستادند:
«ما خادمان نبوکدنصر، پادشاه بزرگ، اینک در برابر تو حضور داریم، با ما آن کن که ترا خوشایند است^۳ کلبه های ما، همه خاک ما، همه کشتزارهای گندم های ما، حیوانات کوچک و بزرگ ما و همه محوطه اردوگاه ما را که در اختیار توست بنگر: از آنها همان گونه بهره برداری کن که خوشایند توست.^۴ بنگر، شهرهای ما و ساکنان نشان، بردگان تو هستند، بیا و با آنان چنان رفتار کن که به نظر تو خوشایند است.»^۵ این مردان به حضور هولوفرن رسیده و این سخنان آوردند.
^۶ او به سوی ساحل سرازیر شد، وی و لشکریانش پادگان هایی در شهرهای مستحکمⁿ قرار داده و مردانی برجسته به کمک برگرفتند.^۷ آنان و همه افراد سرزمین های اطراف، با بردن تاج ها^۸ در حالی که به ضرب دَف ها می رقصیدند آنان

لو ۱۴:۳۲

۱ سمو ۱:۱۱

۱ مک ۱۲:۲۳

پید ۳۱:۲۷؛
خروج ۱۵:۲۰؛
داور ۱:۳۴؛
۱ سمو ۱:۶؛
۱ پاد ۱:۴۰؛
۲ مک ۶:۷

n. تحت اللفظی: مرتفع. یعنی با دیوارهایی مرتفع. ر.ک به تث ۱:۲۸؛ ۱:۹.

o. تاج ها را مردم در استقبال از هولوفرن حمل می کردند و جزو پیشکش و هدیه نبوده است. ر.ک یهودیه ۱۳:۱۵؛ ۲- مک ۷:۶.

p. عزم کرده بود. یعنی این مأموریت به وی واگذار شده بود.

q. این نام به صورت مختلف خوانده شده است در پیدایش ۱۷:۳۷؛ ۲- پاد ۱۳:۶ هم آمده است [در ترجمه فارسی هنگام استفاده از منابع مختلف در مورد تهیه نامهای خاص «دوتایا» Dotaia انتخاب شد]

r. از متن چنین برمی آید که منظور نشان دادن سرزمینی پر نشیب و فراز و کوهستانی است.

s. تحت اللفظی: خانه خدا و دورتر در ۲۴:۸.

سرزمین‌های سامره، کانا، بیت‌حورْدُن، آبل‌مایم، اریحا، هوبه، عزورا و به سوی دره سالیم^f فرستادند.^۵ همه قتل کوه‌های مرتفع را اشغال کرده، شهرک‌هایی را که در آنجا قرار داشتند سنگربندی نمودند و انبارهای آذوقه ایجاد کرده ذخایر جنگی فراهم آوردند زیرا کشتزارهایشان به تازگی درو شده بود.^۶ در این زمان، کاهن اعظم اورشلیم یهو یاقیم به ساکنان بیت‌فولی و بیت‌سئیم که روبه‌روی یزرعیل در برابر دشت نزدیک دوتایا است نوشت،^۷ تا بدیشان بگوید به سختی مقاومت کرده از سنگرهای کوهستان‌ها دفاع کنند، زیرا از آنجا می‌توانستند به یهودیه راه باز کنند و ایجاد مانع برای کسانی که بالا می‌آمدند آسان بود زیرا تنگی معبر جایی بیش از عبور برای دو تن نداشت.^۸ بنی‌اسرائیل، برابر آنچه یهو یاقیم کاهن اعظم و شورای مشایخ سراسر قوم اسرائیل در اورشلیم نوشته بودند، اقدام کردند.

^۹ همه مردان اسرائیل روبه‌خدا فریاد برآوردند و روح خویش را با حدتی تام به تعب واداشتند.^{۱۰} آنان، زنانشان، کودکانشان، چهارپایانشان، همه

ساکنانشان، چه روزمزد و چه برده پلاس دربرکردند.^{۱۱} همه افراد بنی‌اسرائیل اعم از مرد و زن و کودکان ساکن اورشلیم در برابر معبد سرسجده فرود آوردند، به سرهایشان خاکستر ریخته پلاشان را در حضور خداوند گسترند.^{۱۲} قربانگاه را به پلاس^w پوشانده همه به سوی خدای اسرائیل فریاد برآوردند تا کودکانشان به تاراج برده نشود و زنانشان در معرض تاخت و تاز قرار نگیرند و شهرهای موروثی‌شان ویران نگردد و مکان مقدس بی‌حرمت نشود و مورد توهین و ریشخند ملت‌ها قرار نگیرد.^{۱۳} خدا فریاد آنان را شنید و به مصیبت آنان نظر افکند و قوم ایامی طولانی در سراسر یهودیه و اورشلیم در برابر مکان مقدس خدای متعال روزه گرفتند.^{۱۴} یهو یاقیم کاهن اعظم و همه کاهنانی که در خدمت خدا بودند، خادمان^{۱۷:۲} خدا پلاس در بر کرده قربانی آتشین مدام پیشکش داشته، هدایای نذری و عطایای داوطلبانه مردم را تقدیم می‌کردند.^{۱۵} خاکستر بر دستارشان ریخته با تمام قوا به سوی خدا فریاد می‌کشیدند تا به خاندان بنی‌اسرائیل نظر موافق افکند.^x

f. ابل‌مایم (نه بل‌مایین)، برابر دست‌نوشته ر.ک ۲-توا ۱۶:۴. حوبه و دره سالیم ممکن است از پیدایش ۱۴:۱۵-۱۸ گرفته شده باشد.

ii. شرح مطلب ملهم از یونس ۳:۵-۸ است که حیوانات هم باید روزه بگیرند و نه این که پلاس دربر کنند و نه آن کنند که در دنباله می‌آید «روح خویش را... به تعب واداشتند» اصطلاحی ادبی در زبان عبری است. در مورد روزه به صورت تحت‌اللفظ از ترجمه هفتادتنان ترجمه شده است در بسیاری از نسخ «با حدتی تام» را به قبل از تعب افزوده‌اند مانند ترجمه فارسی حاضر. برخی از متون یونانی و متون برای بار دوم در روزه بزرگ خوانده‌اند و برخی نسخ این با آن اصطلاح را حذف می‌کنند.

v. همچنین یهودیه هنگام نیایش خود (۱:۹) پلاسی را که در زیر لباس‌ها داشت، باز می‌کند.

w. نباید چنین استنباط کرد که قربانگاه را واقعاً با پلاس پوشانده بودند (حرکت بسیار عجیبی می‌بود) بلکه منظور آن باید بوده باشد که پلاس‌ها را دور قربانگاه پهن کرده و ناچاراً بر آن اندکی می‌آسودند بدون آن که محل نیایش را ترک گویند. ر.ک به ۲-سمو ۱۰:۲۱ عملی که «رصفه» کرده بود.

x. دیدار خدا و مداخله وی چه برای نجات و چه داوری (ر.ک خروج ۱۶:۳ توضیح).

هولوفرن مشورت می کند

۵

۱ به هولوفرن فرمانده کل لشکریان آشور خبر دادند که بنی اسرائیل برای جنگ آماده شده اند: آنان معابر کوهستانی را بسته و همه قله کوه های بلند را به برج و باروها مجهز و موانعی در دشت ها قرار داده اند. ۲ او به ۵:۴ کوه های بلند را به برج و باروها مجهز و موانعی در دشت ها قرار داده اند. ۲ او به ۲۷:۳ مک ۱ خشمی شدید فرو شد، همه روسای موآب، سرداران عمون و همه ساتراپ های ۳ اطراف را فراخواند. ۳ به آنان گفت: «ای بنی کنعان مرا آگاه کنید که آن مردمانی که ساکن کوه های شما هستند، چه کسانی اند؟ شهرهایی که در آن بسر می بردند کدامه اند؟ اهمیت لشکریان شما تا به چه حد است؟ جلادت و قدرت شما به چیست؟ برای فرماندهی لشکریان شما چه پادشاهی در رأس آنان است؟ ۴ و چرا پیشوازی از من را خوار شمرده اند به خلاف همه کسانی که ساکن غرب اند؟»

گفتار آخیور

۵ آخیور، سرفرمانده بنی عمون به وی گفت: «باشد که سرور من به شنیدن یک کلمه از دهان خادمش ارج نهد و من حقیقت را درباره این قوم که ساکن این کوهستان اند و نزدیک تو بسر می برند،

آشکار کنم، یک دروغ از دهان خادم تو بیرون نیاید. ۶ افراد این قوم از تبار کلدانیان اند. ۷ قبلاً در بین النهرین اقامت گزیده بودند زیرا مایل به پیروی از خدایان پدرانشان که از سرزمین کلدانیان بودند نشدند. ۸ راه اولیایشان را ترک کرده به عبادت خدای آسمان، خدایی که باز شناخته بودند ۹ پرداختند. آنان را از نزد خدایان خود براندند و آنان به بین النهرین که ایامی طولانی در آنجا بسر بردند گریختند. ۹ سپس خدای ایشان به آنان دستور داد که ۱۰:۱۲ از اقامتگاه خود خارج شده به سرزمین کنعان بروند و آنجا ساکن شده زر و سیم و رمه های فراوان اندوختند. ۱۰ آنان به مصر سرازیر شدند زیرا قحطی سراسر روی سرزمین کنعان را پوشانده بود و آنان تا جایی که توانستند از آنجا تغذیه کنند ۱۱ همانجا اقامت گزیدند. در آنجا انبوهی عظیم گردیدند و نژادشان بشمار شد. ۱۱ پادشاه مصر دست بر آنان دراز کرده آنان را به بیگاری آجر ۱۲ فریب داد. آنان را خوار کرده به بردگی گرفت. ۱۲ آنان به سوی خدای خود فریاد برآوردند که همه سرزمین مصر را به بلایای بی درمان زد و مصریان ۲۰:۳ آنان را از خود راندند. ۱۳ خدا دریای سرخ را در برابر ایشان خشک گردانید ۱۴ و آنان

y. ساتراپ واژه ای است که در ترجمه هفتادتنان اغلب ترجمه نام عبری رؤسای فلسطینی ها می باشد.

z. اشاره بسیار سریع و زودگذر به سنتی که در کتاب تحریفی «هلله» مشروح تر آمده و توسط نویسندگان یهودی شرح و بسط یافته که بر آن اساس ابراهیم از بت پرستی به سوی خدای آسمان می گردد. در کتاب آفرینش از این روایت خبری نیست تا آن که در کتاب یوشع ۲:۲۴ رد آن پیدا می شود.

a. تحت اللفظی: تغذیه شدند، اما واژه ای که در هفتادتنان آمده به معنای «زنده نگاه داشتن» است. ر. ک پید ۳:۷؛ ۲۰:۵۰؛ یوشع ۱۰:۱۴.

b. تحت اللفظی: آنها را با کار و آجر فریب داده آنان را سرافکننده ساخت. این متن حتی دارای اصطلاحات مذکور در خروج در همین مورد است ۱:۱-۱۰:۱۲. در برخی نسخه ها آمده است: گل رس و آجر. ر. ک خروج ۱:۴.

پید ۳۱:۱۱؛
تج ۷:۹-۱۵؛
آج ۲:۲-۴۷؛
یوشع ۲۴:۲-۳

پید ۱۰:۱۲

پید ۲:۱۳

۱۳:۴۶

پید ۲:۴۲

۱:۴۶

خروج ۷:۱

خروج ۱:۸-۱۴

خروج ۲۳:۲

مصر ۲۰:۳

یوشع ۵:۲۴

تج ۱۰:۶

خروج ۱۴:۱۴

یوشع ۱۰:۴

سرور من خودداری کند، از بیم آن که خداوند و خدای ایشان آنان را حمایت کند و ما مایه توهین سراسر عالم گردیم».

۱ یاد ۹:۷:
۲ مک ۳:۳۹
۳ ار ۲:۹

خشم عمومی نسبت به آخپور که تسلیم بنی اسرائیل می شد

۲۲ آنگاه که آخپور از بیان این سخنان باز ماند، همه کسانی که گرداگرد به دور خیمه جمع شده بودند شروع به زمزمه کردند. بزرگان هولوفرن و همه ساکنان اطراف و موآب از این سخن می گفتند که او را به ۲۳ چرخ بلا ببندند. «خیر، ای هولوفرن سرور، ما را از بنی اسرائیل بیمی نباشد زیرا می بینید که این قومی است که نه قدرت و نه شهامت برای جنگی جدی دارد. ۲۴ برای همین است که ما بالا رفته چراگاه لشکریان ما خواهند شد».

۱ یاد ۸:۹-۸:۲۶

حزق ۳۸:۱۱

۱ وقتی ازدحام مردم که در اطراف شورا گرد آمده بودند فرو کشید، هولوفرن سرفرمانده لشکریان آشور به آخپور و همه بنی موآب در برابر همه جمعیت بیگانه^d گفت: ۲ «تو آخپور مگر که هستی و شما ای خودفروشان افرایم^e تا این چنین امروز در میان ما نبوت کنید و به ما بگویید که با نژاد اسرائیل جنگ نکنیم زیرا خدایشان از آنها حمایت خواهد کرد؟ خدا چه کسی جز نبوکدنصر است؟ وی ۳:۸

خروج ۱:۱۹
اعد ۱۳:۲۶
تث ۱:۴۶
اعد ۲۱:۲۱-۲۱:۳۲
یوشع ۳:۱۰
تث ۱:۷
خروج ۲۳:۲۰-۲۳:۳۳
لاو ۳:۱۲-۳:۲۶
تث ۱۴:۱-۱۴:۱۴
مز ۵:۶
اش ۶۱:۸
لاو ۲۶:۱۴-۲۶:۴۳
تث ۲۸:۱۵-۲۸:۶۸
۱ یاد ۶:۹-۶:۷
۲ یاد ۶:۱۷-۶:۷
۲۴-۲۵:۲۴
عز ۱۲:۵
عز ۱-۶
حزق ۳۸:۸
اورشليم را که شهر آنان است متصرف و در کوهستان مستقر شده اند زیرا که خالی از سکنه بود. ۲۰ و اکنون ای سرور والا اگر برخی خطاهای^c در این قوم هست، اگر علیه خدایشان گناه می ورزند و اگر ما ملاحظه کنیم که در آنها موجبات سقوط فراهم است و فراز آمده، آنها را منکوب خواهیم کرد. ۲۱ اما اگر بی انصافی در ملت آنان نباشد،

خروج ۱:۱۹
اعد ۱۳:۲۶
تث ۱:۴۶

اعد ۲۱:۲۱-۲۱:۳۲

یوشع ۳:۱۰
تث ۱:۷

خروج ۲۳:۲۰-۲۳:۳۳
لاو ۳:۱۲-۳:۲۶
تث ۱۴:۱-۱۴:۱۴

مز ۵:۶
اش ۶۱:۸

لاو ۲۶:۱۴-۲۶:۴۳
تث ۲۸:۱۵-۲۸:۶۸
۱ یاد ۶:۹-۶:۷
۲ یاد ۶:۱۷-۶:۷
۲۴-۲۵:۲۴
عز ۱۲:۵

عز ۱-۶
حزق ۳۸:۸

c. جهالت. اما از این واژه در ترجمه هفتادتنان معنای گناه استنباط می شود
d. معنای بیگانه یعنی «فلسطینی ها» آن طور که در متن ترجمه هفتادتنان است مگر با استثنای بسیار اندک. در این جا به ساکنان حواشی ای که قبلاً نام برده شده است اطلاق می شود: ۲:۵، ۲:۲۲.
e. تحت اللفظی: «مزدوران افرایم». در متن هفتادتنان به دنبال اشتباهی در قرائت این واژه ها به صورت موعظه ای توهین آمیز ترجمه شده است: «بد مستان افرایم» یا «میگساران افرایم» اش ۱:۲۸. نویسنده کتاب یهودیه بی تردید با این ناسزا خواسته است این مطلب را برساند که هولوفرن آخپور را به چشم خائن خود فروخته ای به افرایم، قبيله مرکزی اسرائیل می نگرد.

گفته‌ام و از حرف‌های من هیچ^g نخواهد ۱ پاد ۵۶:۸۵

۱۰ هولوفرن به خادمانی که در خیمه‌اش بودند، فرمان داد که آخیور را دستگیر کرده به بیت‌فولی ببرند و وی را بدست اسرائیلیان تسلیم سازند. ۱۱ خادمان وی را دستگیر کرده خارج از اردوگاه به دشت بردند و بعد از میانه دشت به سوی کوهستان شدند و به چشمه‌ای که در پایین بیت‌فولی بود رسیدند. ۱۲ وقتی مردمان ۱۷،۳:۷ شهر آنها را دیدند، اسلحه بدست گرفته خارج از شهر به قله کوه‌ها^h رفتند درحالی که برای ممانعت از بالا آمدن از کوه‌ها، همه لشکریان با فلاخن به سوی آنان سنگ پرتاب کردند. ۱۳ آنان به پای کوه خزیدند، آخیور را که به بند کشیده بودند در پای کوه دراز کشیده باقی نهادند و به سوی ارباب خود بازگشتند. ۱۴ بنی اسرائیل درحالی که از شهر خود فرود می‌آمدند، نزد وی توقف کرده بند از وی باز کردند و او را به بیت‌فولی آورده به حضور بزرگان شهرشان حاضر کردند، ۱۵ که در آن روزها عزیا پسر میکا از قبیله شمعون، شابریس پسر قوتونیل^۱ و شارمیس پسر ملخئیل ۱۶:۲ بول بودند. ۱۶ آنان همه مشایخ شهر را فراخواندند، همه مردان جوان و زنان نیز به ۱۳:۲۰ تا ۱۳:۲۱ سوی انجمن شتافتند. آخیور را در میان همه قوم نشانند و عزیا در مورد آنچه روی

نیروهایش را خواهد فرستاد و آنها را از پهنه زمین نابود خواهد ساخت و خدایشان به نجات آنها نخواهد آمد. ۳ ولی ما، خادمانش چون یک مرد واحد آنها را خواهیم زد و آنان را در برابر توانایی اسبان ما تاب مقاومت نخواهد بود ۴ آنان را در سرهایشان خواهیم سوزاند، کوهستان‌هایشان از خونشان سرمست خواهند گردید، دشت‌های آنان از کشته‌هایشان پوشیده خواهد شد و اثری از گام‌های آنان در برابر ما باقی نخواهد ماند، نبوکدنصر سرور همه سرزمین‌ها می‌گوید که آنها مطمئناً نابود خواهند شد زیرا او گفته است و سخنان او بیهوده نخواهد بود. ۵ اما آنچه تراست ای آخیور، ای خودفروش عمونی که این سخنان را به روز تقصیر خویش ادا کرده‌ای از این روز به بعد هرگز چهره مرا نخواهی دید تا آن که نسل آنانی را که از مصر آمده‌اند، به عقوبت رسانم. ۶ و آنگاه آهن لشکریان من و نیزه^f خادمانم پهلوهای تو را خواهند شکافت و وقتی من بازآیم تو در میان مجروحان رو به مرگ خواهی افتاد ۷ خادمان من ترا به کوهستان خواهند کشاند و ترا در یکی از شهرهایی که در دامنه آن است، به خاک خواهند سپرد. ۸ و نیستی تو به همراه نابودی این افراد خواهد بود. ۹ و اگر در قلب خود امیدواری که آنان تسخیر نخواهند شد، چهره تو درهم نشود!

۲ پاد ۳۵:۱۸
دان ۳:۱۵
۶:۲۱

اعد ۱۵:۱۴

اش ۷:۳۴
ار ۱۰:۴۶
حزق ۵:۳۲-۶

۵:۲

۱ پاد ۲۷:۲۲

f نیزه: برابر روایات. متن یونانی: جمعیت، مردم است. امکان سهو لغوی در متن یونانی وجود دارد.

g هولوفرن، سبکی را که برای بیان تأثیرپذیری وعده‌های الهی بکار می‌رود از سر می‌گیرد. یوشع ۲۱:۴۵:۲۳:۱۴:۱- سمو ۳:۱۹ و غیره.

h تکرار نازیبنده واژه کوه به نظر نامأنوس می‌آید، بدون آن که توضیحی کافی در مورد موقعیت سرزمین آنجا داده شده باشد، بیشتر تأکید بر وضع پر نشیب و فراز آن سرزمین دارد. ر.ک توضیح درباره ۳:۹.

i به جای قوتونیل، اوتونیل یا اومینیل هم آمده است. ر.ک یوشع ۱۷:۱۵:۹:۳ داور.

«کیامون» که در برابر یزرعیل است
پراکنده شدند.

۱ مک ۴:۴۰-
۶:۹، ۴۱

^۴ وقتی بنی اسرائیل انبوه آنها را دیدند،
به شدت نگران شده به یکدیگر گفتند:
«اکنون است که اینان زمین را به توبره
کشانند^۴ و نه کوهستان‌های بلند، نه دره‌ها،
نه تپه‌ها سنگینی آنها را تاب نخواهند
آورد». ^۵ سپس هر یک تجهیزات جنگی

۱ مک ۱۲:۲۸

خود را برداشته آتش‌هایی بر فراز برج‌ها
افروختند و همه آن شب را به بیداری
گذرانند. ^۶ روز دوم، هولوفرن همه
آسوران خود را به مقابل بنی اسرائیل که در
بیت فولی بودند درآورد. ^۷ سنگرهای
شهرهایشان را اکتشاف کرد، چشمه‌های
آب را شناسایی نموده آنها را متصرف
گردید و در آن مکان‌ها پاسگاه‌های
جنگجویان برقرار کرده خود به سوی
افرادش باز آمد. ^۸ همه رؤسای بنی عیسو،

۲:۵

همه سرتیپان قوم موآب و فرماندهان
اطراف بسویش آمدند و به وی گفتند:

۵:۵
۲ سمو ۱۴:۱۲

^۹ «سرور ما باشد که یک کلام را لایق
شنیدن بدانند، برای آن که به لشکر تو

۱۳:۱۰

خسارتی وارد نشود. ^{۱۰} این قوم
بنی اسرائیل در واقع پشت گرمی‌شان به
نیزه‌هایشان نیست، بلکه به بلندی‌های

۱:۵، ۷:۵، ۴

کوهستان‌هاست که در آن ساکن‌اند؛ زیرا
بالا رفتن از ارتفاعات کوه‌های ایشان آسان
نیست. ^{۱۱} پس سرور! با آنها همانگونه که
در جنگی منظم می‌جنگند، جنگ مکن و از
دسته تو حتی یک نفر به زمین نخواهد افتاد
^{۱۲} در اردوی خود بمان و در آنجا همه
مردان لشکر خود را نگاه دار و خادمان تو

داده بود پرسید. ^{۱۷} وی با به دست گرفتن

۲ پاد ۱۸:۳۷

رشته سخن از آنچه در شورای هولوفرن گفته
شده بود و از آنچه خودش در میان رؤسای
بنی آشور گفته بود و همچنین سخنان
پرنخوت هولوفرن خطاب به خاندان
اسرائیل صحبت کرد. ^{۱۸} قوم به سجده
درآمده خدای را عبادت کنان چنین فریاد
کردند: ^{۱۹} «خداوندا، ای خدای آسمان،
نخوت آنان را در نظر بگیر و به فروتنی
نژاد ما ترحم آور و در این روز چهره کسانی
را که به تو تعلق دارند بنگر!» ^{۲۰} آنان
آخیور را دلداری داده صمیمانه به وی
تهنیت گفتند. ^{۲۱} عزرا آنان را از انجمن به
خانه خویش هدایت کرد و در آنجا ضیافتی
جهت مشایخ داد. و خدای اسرائیل را
سراسر آن شب به یاری طلبیدند.

عز ۱:۲۰
۱۲:۵

۲ پاد ۱۹:۱۶، ۴
عز ۴:۲۹
مز ۸۴:۱۰

مز ۱۳۴:۱
اش ۳۰:۲۹

موضع‌گیری و محاصره بیت فولی

^۱ روز بعد، هولوفرن به همه
لشکریان خود و به همه دسته‌های
کمکی که به وی پیوسته بودند دستور داد به
قصد بیت فولی اردو را برچیده، سنگرهای
کوهستان‌ها را تصرف کرده و با
بنی اسرائیل به نبرد برخیزند. ^۲ همان روز
همه جنگجویان اردو را برچیدند،
نیروهایشان که در نبرد بودند صد و هفتاد
هزار پیاده نظام و بیست و یک هزار سوار،
بدون محاسبه باروبنه و مردان پیاده که آنها
را همراهی می‌کردند: انبوهی کثیر! ^۳ در
دره نزدیک بیت فولی به نزدیک چشمه
موضع گرفتند و تا اعماق «دوتایا» تا
«بعل مائین» و در امتداد بیت فولی تا

۷:۴

۲۰، ۱۵:۲

۶:۴، ۹:۳

ژلبسیدن نیز آمده است. مانند حیوان یا سگی که زمین را می‌لبسید [چیزی باقی نگذاشتن].

بودند زیرا همه دشمنان شان آنها را در محاصره گرفته و گریز از آنها امکان نداشت.^{۲۰} همه لشکر آشور، پیاده نظامشان، گردونه هایشان و اسواران شان به مدت سی و چهار روز آنها را محاصره کردند. همه ساکنان بیت فولی آب های ذخیره شان به ته رسید.

درماندگی محاصره شدگان و توسل جستن به عزیا

^{۲۱} چاه ها خالی شدند و حتی یک روز هم نمی توانستند به اندازه ای که تشنه بودند حرق^{۴:۱۱} آب بنوشند زیرا به ایشان به پیمانہ آب داده می شد.^{۲۲} فرزندان کوچکشان طاقت از دست دادند، زنان و جوانان از تشنگی از پای درآمدند و در کوچه های شهر و میان درگاهی ها افتاده رمقی برایشان باقی نمانده بود.^{۲۳} همه قوم، جوانان، زنان و کودکان، علیه عزیا و رؤسای شهر برخاستند، فریادهای بلند برآورده در برابر همه مشایخ گفتند:^{۲۴} «باشد که خدا بین ما و شما داوری کند زیرا شما خسران زیاد به ما زدید و متعهد مذاکرات صلح با بنی آشور نشدید^{۲۵} و اکنون کسی نیست که به یاری ما بشتابد، اما برای این که در برابر آنها با تشنگی کامل نیست شده مصلوب گردیم خدا ما را به دست این اشخاص فروخته مز^{۴:۱۳} است.^{۲۶} پس اینک آنها را بخوانید و همه شهر را برای تاخت و تاز به افراد هولوفرن و همه لشکریانش تسلیم کنید.^{۲۷} زیرا ما را بهتر است که جزو غنایم آنان درآییم تا از تشنگی بمیریم^k، ما برده خواهیم شد،

۱۱:۶ خود را صاحب چشمه آبی سازند که از پای کوه بیرون می زند.^{۱۳} زیرا تمام ساکنان بیت فولی از آنجا آب خود را می کشند، آنها از تشنگی تلف شده شهرشان را تسلیم خواهند کرد. آنچه ما را است، دسته های ما به قله کوه های اطراف بالا آمده در آنجا در قرارگاه مقدم موضع خواهیم گرفت تا مانع خروج کسی از شهر گردیم.^{۱۴} قحطی آنها را، زنان و کودکان شان را خواهد بلعید و حتی پیش از آن که شمشیر بر آنان فرود آید کوچه های شهرشان پوشیده از آنان شود.^{۱۵} و توکاری خواهی کرد که عصیان با صلح و آشتی بدیدارت نیامدن برایشان گران تمام شود.»^{۴:۵}

^{۱۶} سخنان ایشان، هولوفرن و همه افسرانش را خوش آمد و فرمان داد همان کنند که آنها گفته اند.^{۱۷} لشکریان بنی عمون و با آنان پنج هزار تن از بنی آشور حرکت کردند، در دره موضع گرفته هر جا که آب بود و چشمه های آب بنی اسرائیل را متصرف شدند. .^{۱۸} بنی عیسو و بنی عمون برای گرفتن موضع در برابر دوتائیم به کوه بالا رفتند و مردان خود را به جنوب و شرق در برابر اقربل که نزدیک شوس بر مسیل و مشمور است فرستادند، بقیه لشکریان آشور در دشت موضع گرفتند و سراسر کشور را پوشانیدند، چادرها و باروبنه شان اردوی بی نهایت عظیمی تشکیل می داد و آنان به تعداد بی شمار بودند.^{۱۹} بنی اسرائیل به سوی خداوند خدایشان فریاد برآوردند، درواقع آنان همت خویش را از کف داده

۲ پاد:۶:۲۵:
۳:۲۵:
مرا:۱۱:

ار:۱۴:۱۶:
ع:۱۳:۸:
مرا:۱۱:۲:

۲ نو:۲:۱۳:

۱ سمو:۲۴:۱۳:
داور:۱:۲۷:

داور:۵:۶:۱۲:۷:

خروج:۱۴:۱۰:

k تا از تشنگی بمیریم. در برخی نسخ یونانی هم دیده می شود اما نه متون مجاز.

عمیقی همه شهر را فراگرفته بود.

مداخله یهودیه

۸ در این ایام، یهودیه از تمامی این امور آگاه شد. وی دختر

مراری، پسر اخس، پسر یوسف، پسر عزریئیل، پسر حلقیا، پسر حنانيا، پسر جدعون، پسر فائیم، پسر اخیتوب، پسر الای، پسر خلکیاس، پسر الیاب، پسر

ناتانائیل، پسر سالامئیل، پسر اعدا: ۱:۶-۲:۱۲ صوراشدای^o، پسر اسرائیل بود. ^۲ شوهرش منسی، از قبیله خودش و از خاندان خودش بود و در روزهای درو جو مرده بود. ^۳ او

کسانی را که علف‌ها را در دشت بسته ^۲ داد: ۱۸-۲۰ می کردند نظارت می کرد که گرمای خورشید^p به سرش زده، بستری شد و در

شهرش، بیت فولی درگذشت، وی را در ^{۲۹:۳۵} ^{۱۳:۵۰}

کنار پدرانش در دشتی که بین دوتائیم و بعل مائین است به خاک سپردند. ^۴ یهودیه

که بیوه شده بود سه سال و چهار ماه^q در ^{۱۰:۴} ^۲ پاد:

سرای خویش به سر برد. ^۵ خیمه ای بر فراز ^{۲۷:۲۱} ^{۳۰:۶} ^۲ پاد:

بام خانه اش زده بود، پلاسی بر کمر بسته و

درست است، اما زندگی^۱ خواهیم کرد و با چشمان خود مرگ کودکان خود و زنان و فرزندان خود را که جان می دهند نخواهیم دید. ^{۲۸} آسمان، زمین و همچنین خدای خود، خداوند پدرانمان را که بر حسب گناهانمان و خطاهای پدرانمان^m ما را عقوبت می کند در برابر شما به شهادت می طلبیم تا دیگر این چنینⁿ امروز با ما رفتار نکند. ^{۲۹} و همه با هم در میان جمع به گریه افتادند و با صدایی رسا به سوی خداوند خدا فریاد برآوردند. ^{۳۰} عزریا به ایشان گفت: «طاقت داشته باشید ای برادران! باز پنج روز دیگر ایستادگی کنیم، در این فاصله خداوند خدای ما رحمتش را به سوی ما خواهد فرستاد؛ زیرا تا به انتها ما را رها نخواهد کرد. ^{۳۱} اما اگر این روزها بدون این که کمک به ما برسد بگذرد، آنچنان که گفته اید خواهیم کرد.» ^{۳۲} و قوم را پراکنده ساخته هر یک [به سوی] محله خود روانه شد. آنان به سوی سنگرها و برج‌های شهر خود رفته زنان و کودکان را به خانه‌هایشان فرستادند. درماندگی

تش: ۲۶:۴
۱۹:۳۰

خروج: ۵:۲۰
مرا: ۷:۵۵

۱ سمو: ۴:۱۱

۱ سمو: ۳:۱۱

l. تحت اللفظی. روح ما (جان ما) زندگانی خواهد کرد.

m. این تصور عوامانه بسیار ساده لوحانه از رنج بعداً در گفتارهای یهودیه بنت مراری تصحیح می شود. (۸: ۲۵-۲۷).

n. این ترجمه که حاوی رایج ترین معناست، اقتباس شده از برخی دست نوشته های یونانی و روایاتی است که حذف کننده صیغه نفی است (... رفتار نشود...).

[برابر ترجمه TOB: «امروز برابر این سخنان رفتار نشود»...] سخنان نشانگر باز پس گرفتن فوری پیشنهاد آیه ۲۶ است. مهمترین دست نوشته های یونانی حاوی این صیغه نفی است. و لذا سخنان نشان دهنده عمل به مقاومت در برابر ظلم است که در آیه ۲۴ گفته شده است. فعل «رفتار»، چه به حالت دوم شخص جمع (رفتار می کنید) چه به صورت مصدر (رفتار کردن) باشد مسندالیه آنها رؤسای بیت فولی اند. به صورت سوم شخص مفرد (رفتار شود یا نشود) به خدا استناد داده می شود که اسرائیلیان را متنبه می کند یا هولوفرن را که ابزار دست وی است.

o. برخی دست نوشته های یونانی و لاتین در اینجا می افزایند: پسر شمعون. در آیات بعدی یهودیه شمعون را پدر خود می نامد (۲:۹) و در اعد ۱:۶ (یونانی) رئیس قبیله شمعون سالامئیل پسر صوراشدای است.

p. تحت اللفظی: گرمای سوزان.

q. چهار ماه تقریباً طول فصلی است که عملیات در پایان تابستان به اجرا در می آید. چهار ماه پس از برداشت محصول جو (در ماه اردیبهشت) که برابر می شود با پایان شهریور که پس از دوران طولانی بی بارانی است.

بشنوید!^۵ سخنی که در این روز در برابر قوم ادا کرده‌اید، سوگندی که بین خود و خدا خورده‌اید و گفته‌اید که شهر را اگر در این پنج روز خداوند یاریش را به شما نفرستد به دشمنان ما تسلیم خواهید کرد، شایسته نیست.^{۱۲} شما مگر که هستید که امروز خدا را تجربه کنید و به جای خدا در میان پسران انسان^{۱۳} قد برافزاید؟^{۱۳} و اینک خداوند پرتوان را به تجربه می‌نهد!^{۱۴} شما آیا هرگز چیزی نمی‌فهمید!^{۱۴} شما نمی‌توانید اعماق قلب انسانی را کشف کنید و نه به استدلال‌های شعور وی دست یابید، پس چگونه خدا را می‌خواهید بکاوید که همه این چیزها را آفریده است؟ آیا روح او را درک کرده و به اندیشه او دست یافته‌اید؟ خیر، خیر، ای برادران، خداوند خدای ما را برنیانگیزانید.^{۱۵} زیرا اگر نخواهد در این پنج روز به یاری ما بشتابد، آن قدرت را دارد تا در روزهایی که بخواهد از ما حمایت کند یا که ما را در برابر دشمن محو گرداند.^{۱۶} پس شما درباره مشیت خداوند خدای ما، اصرار به شرط بندی^{۱۷} نکنید زیرا خدا را چون انسان ۱۹:۲۳ اعد نمی‌توان تهدید کرد و نه چون پسرانسان با وی سازش^{۱۷} نمود. برای این است که با

لباس بیوه‌گی بر تن داشت.^۶ تمام روزهای بیوه‌گی اش روزه می‌داشت، مگر شب‌های شنبه، روزهای شنبه، شب‌های ماه نو، روزهای هلال ماه، همچنین اعیاد و روزهای شادی بنی اسرائیل.^۷ او خوش اندام و زیباروی بود. شوهرش، منسی، برایش زر و سیم، برده و کنیز، چهارپایان و کشتزارهایی باقی گذاشته بود و وی همچنان مالک آنها بود^۸ و کسی نبود که علیه وی حتی یک کلام به بدی بگوید زیرا وی بسیار خدا ترس بود.^۹ وی از سخنان ناهنجاری که مردم مایوس از کمبود آب به رهبر قوم گفته بودند مطلع شد. یهودیه همچنین از همه سخنانی که عزیریا^{۱۲} بدانان گفته بود آگاه شد که چگونه برایشان سوگند یاد کرده بود که شهر را سر پنج روز به آشوریان تسلیم کند.^{۱۰} وی کنیز خود را که بر تمام دارائیش گماشته بود فرستاد تا خابریس و خارمیس را که از مشایخ شهر بودند، فرا بخواند.

۱ سمو ۲:۲۵-۳:۲
استر ۷:۲

۱ سمو ۱۱:۴-۵

دان (یونانی):
۲۷:۲، ۱۳

مذاکره یهودیه و رؤسای بیت فولی

^{۱۱} آنان نزد وی رفتند و او به ایشان

میک: ۹:۳ گفت: «ای رؤسای ساکنان بیت فولی مرا سزاوار شنیدن دانید! حرف‌های مرا

I- عزیریا در برخی نسخ یونانی و لاتینی حذف شده است.

S- در یک نسخه یونانی و دیگر متون پنج افزوده شده است (به جای این روزها = در این پنج روز) ر. ک ۳۰:۷-۳۱.

T- بسیاری از تعبیر ممکن است: «خود را به جای خدا گرفته‌اید» (یعنی دارای قدرت و صلاحیت رسمی) یا «شما به جای خدا قد برافراشته‌اید» (یا پیشداوری از نیت وی).

II- شرط بندی با یک بدهکار در واقع وی را موظف به انجام تعهدش در روز موعود می‌گرداند. شرط پنج روز امید بخش درست همان شرطی است که خدا را وامی دارد که بی‌درنگ مداخله و وساطت نماید.

V- با جابه‌جایی افعال این آیه (تهدید کردن و سازش کردن) به زبان یونانی با اندکی تغییر حروف (دو حرف) جمله‌ای که در اعد ۱۹:۲۳ (یونانی) آمده است به دست خواهد آمد.

[در اعداد برابر متن فرانسه TOB ترجمه فارسی آن فریب دادن و عقب زدن خواهد شد تشابه مورد نظر، خاص زبان یونانی است که البته در زبان فارسی مصداق نمی‌یابد] انتخاب بین آن دو به نظر مشکل آمده است.

۱. مک ۲:۵۰:۵
۲. مک ۳:۳۲:۱۳
- ۲۴ و اینک ای برادران، به برادران خود نشان دهیم که زندگی آنها به زندگی ما بسته است و اینکه «مکان مقدس»، معبد و قربانگاه بر ما تکیه دارد. ۲۵ افزوده بر این، خداوند خدای خود را سپاسگزار باشیم که ما را درست بمانند پدرانمان به تجربه نهاده است. ۲۶ به خاطر آورید چگونه با ابراهیم رفتار کرد، همه تجربه هایی که برای اسحاق فرستاد و آنچه بر سر یعقوب در بین النهرین سوریه، وقتی گوسفندان لابان برادر مادرش را می چرانید آورد. ۲۷ زیرا با ما آنچه رفتار نکرده است که با اینان که قلب را با آتش به تجربه درآورده است، وی ما را عقوبت^a نکرده، بلکه به خاطر آگاهی یافتن است که خداوند کسانی را که به وی تقرب می جویند شلاق می زند».
- ۲۸ عزیزا به وی گفت: «آنچه را گفتم، با قلبی عالی بر زبان رانیدی و کسی نیست که با سخنان تو مخالفت نماید. ۲۹ در واقع از امروز نیست که حکمت تو پدیدار شده بلکه از همان روزهای نخست همه قوم هوش ترا درک کرده بودند زیرا آنچه قلب تو را به وجود آورده عالی است. ۳۰ اما مردم از تشنگی هلاک اند و ما را وادار به انجام آنچه به آنان گفته ایم
- صبر در انتظار نجاتی که از وی است وی را به یاری خود بخوانیم: اگر وی را خوشایند باشد او صدای ما را خواهد شنید. ۱۸ زیرا در نسل ما اتفاق نیفتاده است و امروز در بین ما نه قبیله ای هست، نه خانواده ای، نه شهرکی، نه شهری که خدایان ساخته دست انسان را عبادت کرده باشد... آن چنان که در روزگار گذشته اتفاق افتاده بود ۱۹ و به خاطر آن پدران ما تسلیم شمشیر و تاراج شدند و در برابر دشمنان ما متحمل فلاکت عظیمی گردیدند. ۲۰ ما خدای دیگری جز وی نشناخته ایم، همچنین امیدوار باشیم که از ما تنفر حاصل نکند، نه از ما و نه از نسل ما ۲۱ زیرا اگر ما گرفتار شویم، سراسر یهودیه نیز^x گرفتار خواهد شد و «مکان مقدس» ما غارت شده و خدا از این بی حرمتی^y به خون از ما انتقام خواهد کشید. ۲۲ قتل برادران ما، تبعید از سرزمین، برکنده شدن میراث ما در میان بیگانگانی که به بردگی برده خواهیم شد، بر سر ما خراب خواهد شد و مایه فصاحت و رسوایی در دیدگان فاتحان خود خواهیم بود. ۲۳ زیرا بردگی ما منجر به بازگشتی میمون^z نخواهد بود، بلکه خداوند خدای ما از آن بد نامی فراهم خواهد آورد.
- ۲ سمو ۱۵:۲۵
۱. مک ۳:۶۰
- مز ۴۴:۱۸-۲۱
حک ۱:۴۵
- مز ۷۸:۵۸-۶۲
- اش ۲۶:۱۳
دان (یونانی)
حک ۳:۴۱
بار ۱۹:۲۲
حک ۱۹:۲۲
- ۱ پاد ۷:۹

W. در برخی نسخ افزوده شده است: رحمت و نجات خویش را باز داشته اما در برخی نسخ یونانی و لاتینی وجود دارد. برای رسایی کلام به نظر می رسد تذکرش لازم باشد.

X. «نیز گرفتار خواهد شد» برابر برخی نسخ یونانی و لاتینی است. نسخ های دیگر نامفهوم تر است.

Y. تحت اللفظی: خدا درباره بی حرمتی از خون، حساب خواهد خواست.

Z. تحت اللفظی: با خوشبختی منجر به میمنت نخواهد شد و مقبول نخواهد بود. به نظر می رسد بیشتر لطف و میمنت فاتحان باشد تا خدا. یهودیان نمی توانند امیدوار به وضع و شرایط دانیال یا نحیاء در دربار پادشاهی بیگانه باشند.

a. ... به نظر می رسد که تجربه شهر بیت فولی مشابه وضع تجربه پدرسالاران از دید تأدیبی است هر چند با شدت کمتری این تجربه متفاوت است.

نیایش یهودیه

۹^۱ یهودیه به روی خویش افتاد، اعد ۶:۲۰
تث ۳:۹
استر (یونانی) ۱:۳
که در بر کرده بود از تن در آورد و این آمک ۴۷:۳
درست ساعتی بود که در اورشلیم در معبد خروج ۸:۳۰
دان ۲۱:۹
خدا بخور آن شامگاه را تقدیم می کردند و
یهودیه با صدایی رسا به سوی خداوند فریاد
کشید: ۲ «خداوندا، ای خدای پدرم پید ۵:۳۱
شمعون، که شمشیر را به دستش دادی تا خروج ۱:۱۵
بیگانگانی را که به دوشیزه ای تجاوز پید ۲۵:۳۴
کردند تا او را آلوده سازند و برای بی شرم
کردنش، کمرگاش^d را برهنه کرده
سینه اش را برای توهین بی حرمت کردند،
به عقوبت برساند، هر چند تو گفته بودی:
این چنین نخواهد شد^e که رفتار می کنند و پید ۷:۳۴
آنها همان را کرده بودند! ۳ برای همین
رهبران شان را تسلیم قتل عام کردی و
بسترشان، شرمگین از خدعه آنها، چنان
کردی که به خون خدعه فرو رفت^f، بردگان اش ۲:۲۴
را با شاهزادگان و شاهزادگان را بر تخت خروج ۲۹:۱۲
حک ۱۱:۱۸
یک جا زدی؛ ۴ زنا نشان را تسلیم چپاول، پید ۲۹:۳۴

کرده اند و سوگندی^b بر ما تحمیل کرده اند
که آن را زیر پا نخواهیم نهاد. ۳۱ اکنون
برای ما نیایش کن زیرا تو زنی پرهیزکار
هستی و خداوند برای پر کردن چاه های ما
باران خواهد بارانید و ما دیگر بی آب
نخواهیم ماند». ۳۲ یهودیه به آنان گفت:
«به من گوش کنید، من دست به فتوحی
خواهم زد که از نسلی به نسلی بین پسران
نژاد ما بازگو خواهد شد. ۳۳ شما امشب دم
دروازه باشید، من با کنیز خود بیرون خواهم
رفت و در روزهایی که سرانجام آن گفته اید
که شهر را تسلیم دشمنان ما خواهید کرد
خداوند با وساطت من^c از اسرائیل دیدار
خواهد کرد. ۳۴ آنچه شما راست، درصدد
برنیایید از کار من سردر آورید: پیش از
آن که کارم به تحقق پیوندد نخواهم گفت
چه خواهم کرد». ۳۵ عزیا و رؤسا به وی
گفتند: «به سلامت، باشد که خداوند برای
عقوبت دشمنان ما پیش تو گام بردارد!»^۱
۳۶ و با خارج شدن از خیمه، هر یک به
سرنگهبانی خود رفتند.

اسمو ۱۹:۱۲
۴:۱۹

داور ۹:۴
تث ۹:۴
مز ۷۸:۴
مت ۱۳:۲۶

اسمو ۱۷:۱
مر ۵:۳۴
لو ۷:۵۰
تث ۳۳:۴۳

b. به ترجمه دیگر: مارا به سوگندی متعهد کرده اند.

c. تحت اللفظی: با دست من.

d. تحت اللفظی: که سینه دوشیزه ای را گشوده است. اصطلاح زیاد مأنوسی نیست وانگهی واژه سینه در جی دیگر هم به کار آمده است
[(کمرگاش = *osty* معنی واضح تری دارد)] به نظر بسیاری از مفسران باید در دو واژه اشتباهی از سوی یک نسخه بردار روی
داده باشد: *Mètra* = سینه و *Mitra* = کمر که تقریباً تلفظ مشابهی دارند، اصطلاح کمرگاش یا کمر در مورد زفاف یا (تجاوز)
آشنا تر است. توازی سه عبارت کتب سر هم به جا و عالی است. این آیه اشاره به سرگذشت دینا *Dina* دختر یعقوب دارد (پید ۳۴).

e. آنچه فقط کلامی از برادران دینا *Dina* (پید ۷:۳۴) بود نویسنده به خود خدا نسبت می دهد که دارای معایبی دو پهلو و متناقض
است «این چنین اقدام نخواهد شد» یا «این چنین نخواهد گذشت» که یادآور یک قاعده یا تهدید است کتاب «هلله» که
تقریباً همزمان با کتاب یهودیه است از این جمله قاعده ای می پردازد اما بدون آن که آن را به خدا نسبت دهد (۵:۳۰).

f. تحت اللفظی: بستر خون آلود آنان را رها کردی منظور انتقام کشیدن به خدعه از شخص فریبکار است. [متن با فهرم دوگانه فعل

یونانی بازی می کند که گاه به معنی «به اشتباه انداختن» و گاه به معنی «فریفتن» است. (در کتاب مقدس به زبان یونانی)
(ر. ک خروج ۱۵:۲۲ و دورتر یهودیه ۱۶:۱۲). قصاصی عادلانه وجود دارد: «شکیم» دینا را فریب داده (اغوا کرده) و توسط
برادران قربانی فریب خورده. هولوفرن در صدد فریب دادن (اغوای) یهودیه است (۱۶:۱۲) اما از یهودیه فریب می خورد (۹:۱۰)
و (۱۳). بستر از فریب شکیم شرمگون است، حال چه اشیاء بی جان از جنایات آدمیان نجس شوند (ر. ک لاو ۲۵:۱۸، ۲۲:۲۰؛
ار ۲:۱۲)، چه نفس خوابیدن (هم بستر شدن) برای شکیم موجد شرمساری از تجاوز به عفت و ازاله بکارت دینا شده باشد.

- سردارند.^۹ غرورشان را بنگر، خشمات را
 بر سرشان فرو ریز، جلادت مورد انتظار را
 به دستهای من بیوه بسیار^{۱۰} با لبان اغواگر^{۱۱}
 من، برده را با ارباب و رهبر را با خادمش،
 بز، برتری آنان را به دست زنی درهم
 شکن^{۱۱} زیرا جلادت تو به تعداد نیست و
 نه اقتدار تو نزد قدرتمندان، بلکه تو خدای
 فروتنان، کمک کوچکان، پشتیبان
 ضعیفان، حامی مطرودان و منجی ناامیدان
 هستی.^{۱۲} آری، آری، ای خدای پدر و
 خدای میراث اسرائیل، مالک آسمان و
 زمین، آفریدگار آب‌ها، پادشاه همه آفرینش،
 تو دعای مرا مستجاب گردان.^{۱۳} آن چنان
 کن که زبان اغواگر^{۱۴} من برای کسانی که
 تدابیر بی‌رحمانه علیه عهد تو، خانه
 مقدس تو، قله صهیون و معبدی که در
 اختیار پسران توست دارند تبدیل به
 جراحی مرگبار گردد^{۱۴} و آن چنان کن که
 همه ملت تو و همه قبیله بدانند و
 بازشناسند که تویی خدا، خدای توانا و
 جلادت، و برای نژاد اسرائیل حامی دیگری
 جز تو نباشد».
- دخترانشان را به اسارت و تمام هستی شان
 را به تسهیم بین پسرانی که دوست می‌داری
 سپردی، آنان که برای تو از غیرت
 می‌سوختند، نجاست وارد بر خونشان را
 کربه یافتند و ترا به یاری طلبیدند. ای
 خدای من، [دعای] بیوه‌ای را که من باشم
 مستجاب گردان!^{۱۵} درواقع تویی که چیزهای
 دیروز، امروز و فردا، هم‌اکنون و آینده را
 آفریده‌ای، آنها را بارور گردانده‌ای و آنچه
 روی نموده، همانی است که در روح
 داشتی.^{۱۶} طرح آنچه را در انداخته بودی،
 پدیدار شده و گفته اند: «اینک ما! - زیرا
 تمام راه‌های تو آماده و فرمان‌های تو
 پیش‌بینی شده است.^{۱۷} اینک آشوریان به
 لشکریان خود فخر می‌کنند و به اسبان و
 آسواران خود مغرورند، به بازوان پیاده نظام
 خود می‌نازند و امیدشان به سیر، زوبین،
 کمان و فلاخن است و نمی‌دانند که تو
 خداوند درهم شکننده جنگ‌ها^{۱۸} هستی.
- خروج ۳:۱۵^{۱۸} «خداوندا» اینک نام تو! تو، قدرت
 آنان را به اقتدار خود درهم شکن و جلادت
 آنان را در خشم خود نابود کن. زیرا آنان
 نقشه بی‌حرمتی معبد تو و آلوده کردن خیمه
 ای را که نام پرافتخار^{۱۹} تو بر آن است و
 درهم شکستن شاخ قربانگاه ترا به آهن، در

درواقع درخواست همسری از دختر جوان را داشته و به عنوان شرط قلبی امر ختنه را علی‌رغم ناراحتی گذران که به وجود می‌آورد و

خود و پسران یعقوب آن را قبول کرده بوده‌اند، می‌پذیرد.

g- روایت منقول از خروج ۳:۱۵ در متن یونانی، متن عبری چنین است. مردان جنگی به جای درهم شکننده جنگها، این اصطلاح
 آخرین که در اشعیا ۱۳:۴۲ (متن یونانی) از سر گرفته شده است، در اغلب زبان‌هایی که به آن ترجمه شده معنا نمی‌دهد «درهم
 شکستن جنگ» ... منظور آن است که خدا قادر به درهم شکستن بازوی جنگاوران است (حزق ۲۴:۳۰؛ ایوب ۱۵:۳۸؛
 مز ۱۰:۱۰؛ ۱۷:۳۷) و نیز قادر به درهم شکستن جنگ افزارها (هو ۲:۲۰؛ مز ۴۶:۱۰؛ ۴۰:۷۶).

h تحت اللفظی: عنوان پرافتخار تو.

i تحت اللفظی: لبان اغواگر من.

j تحت اللفظی: سخن من و فریب من.

یهودیه به سوی اردوگاه دشمن

می رود

۱- پاد: ۵۴:۸۵
 ۱♦ وقتی از فریاد به سوی خدای اسرائیل دست کشید و سخنانش را به پایان برد^۲ آنگاه سر از سجده برداشت، کنیز خود را فراخواند و به خانه ای درآمد که روزهای سبت و عید را آنجا می گذرانید^۳ پلاسی را که در بر^k کرده بود، بیرون آورد، لباس های بیوه گی اش را کند، تمام تنش را با آب شست، خود را با عطری تند تدهین کرد، گیسوانش را شانه زد و بر سرش نواری گره زده لباس های عید^۱ را که در وقتی شوهرش منسی زنده بود می پوشید، دوباره بر تن کرد. ^۴ سندل هایش را به پا کرد، گردن بندهایش را آویخت، النگوهایش را انداخت، انگشتری هایش و گوشواره هایش را زد و با تمام زیورهایش بی نهایت زیبا جلوه گر شد تا چشم همه مردهائی را که بر وی افتد از راه بدر کند. ^۵ به کنیز خود یک مشک شراب و یک خیک روغن داد، خورجین را از دانه های بو داده، شیرمال انجیری و نان های خالص پر کرده^m همه این محتوا را بسته بندیⁿ کرد و کنیز خود را مسئول آن نمود. ^۶ با هم به سوی

دروازه شهر بیت فولی بیرون شدند و عزیا و همچنین مشایخ شهر خابریس و خارمیس را دم دروازه یافتند. ^۷ وقتی آنها وی را دیدند که چهره اش تغییر یافته لباس هایش عوض شده است، از زیبایی وی به وجد آمده وی را گفتند: ^۸ «باشد که خدای پدران ما ترا آن دهد که فیض یابی و تدبیر خویش را برای هلله بنی اسرائیل و شعف اورشلیم به تحقق برسانی!» ^۹ یهودیه، خدای را پرستش کرد و به آنان گفت: «فرمان بدهید که دروازه شهر را بر من بگشایند تا آنچه را هم اینک به من گفتید به تحقق برسانم». آنان به مردان جوان دستور دادند تا برابر آنچه گفته بود بر وی بگشایند ^{۱۰} آنان همان کردند و یهودیه بیرون رفت، وی و کنیزش با وی. مردان شهر تا از کوهستان سرازیر شدند و تا از دره گذشتند وی را با چشم تعقیب کردند. بعد آنان دیگر دیده نشدند. ^{۱۱} همان طور که مستقیم در دره راه می پیموند یکی از پیشقراولان آشوریان به ملاقاتش آمد. ^{۱۲} آنان وی را متوقف کرده از او پرسیدند: «از کدام طرفی؟ از کجا می آیی و به کجا می روی؟» وی گفت:

k- آماده شدن یهودیه گاه، مطابق متن کنایه از بخش های مختلف کتاب مقدس دارد: اغواگری تامار (پید ۳۸) مداخله مستقیم ابیجایل در نزد داود برای نجات خانواده اش (۱ سمو ۲۵:۱۸) و همچنین توصیف افسانه ای دختران اورشلیم توسط اشعیا (۳: ۲۰). همه اینها ثمره بهره گیری از میدراش (تفسیر یهودی کتاب عهدعتیق) است و این به خاطر کهولت و سستی نویسنده نیست که توسل به جملاتی جسته که از پیش ترکیب شده است، بلکه بیشتر تمایل بر آن است تا نشان داده شود که چگونه تاریخ گذشته می تواند عبرتی برای زمان حال باشد.

l- تحت اللفظی، لباس های شادمانی.

m. بر اساس بسیاری از دست نوشته های یونانی و لاتینی و نسخه ولگات باید گفت نان و پنیر. مهمترین دست نوشته های یونانی حاوی: نان خالص است. اما چنین نانی ناشناخته می باشد. این نسخه از تغییر شکلی که در زبان یونانی اغلب پیش می آید ناشی شده است.

n. همه بسته بندی ها را دو برابر کرد. این اصطلاح غیر مانوس شاید اشاره به ۱- سمو ۲۵:۱۸ دارد که از دو مشک شراب سخن می گوید.

گذاشتن یک مرد کار درستی نیست زیرا آنان که مقاومت نمایند خواهند توانست سراسر زمین را اغوا کنند». ^{۲۰} نگاهبانان هولوفرن و همه افسرانش بیرون شدند و او را به درون خیمه راهنمایی کردند. ^{۲۱} هولوفرن بر تخت خود به زیر بادبزنی های ارغوانی، زرین، زمرد و سنگ های گران بها استراحت می کرد ^{۲۲} و رودش را به وی اطلاع دادند و وی به قسمت مقدم خیمه که در کنارش مشعل های تفره ای بود آمد. ^{۲۳} وقتی یهودیه به مقابل وی و افسرانش رسید همه از زیبایی رخس بوجد آمده بودند. وی به ^{۷:۱۰} روی درافتاده در برابر وی سجده کرد اما ^{۱ سمو ۲:۲۳؛ ۲ سمو ۴:۱۴} خادمان هولوفرن وی را برخیزانیدند.

نخستین سخنان یهودیه و هولوفرن

۱۱ ^۱ هولوفرن به وی گفت: «ای زن شجاع باش! به قلب هراسان میباش زیرا من به کسی که خدمت به نبوکدنصر پادشاه سراسر زمین را برگزیده است هرگز بدی نکرده ام. ^۲ اکنون نیز اگر قوم تو که ساکن کوهستان است مرا خوار نداشته بود، من نیز علیه آنها نیزه بلند نمی کردم: این کاری است که آنها خود با خود کرده اند. ^۳ اکنون مرا بگوی برای چه از نزد آنان گریخته به نزد ما آمده ای. ^{۱۵:۱۰} زیرا تو برای نجات خود آمده ای. شجاع باش! امشب را خواهی زیست و همچنین بعداً نیز. ^۴ درواقع کسی نیست که به تو آزاری رساند، برعکس با تو به مهربانی رفتار خواهد شد همان گونه که فراخور خادمان سرور من نبوکدنصر پادشاه است.»

«من دختری از عبرانیان هستم و از نزد آنان می گریزم، زیرا در حال تسلیم به شما در چراگاه هستند. ^{۱۳} و من آمده ام تا هولوفرن سرفرمانده لشکریان شما را ببینم تا به وی اطلاعات دقیقی بدهم، من به وی راهی نشان خواهم داد که از آن سو خواهد توانست بگذرد تا صاحب همه کوهستان گردد، بدون این که یکی از مردانشان را از دست بدهد و نه یک نفس ^۵ زنده را». ^{۱۴} وقتی مردان سخنانش را شنیدند و رویش را دیدند - وی در برابر آنها سرپا به طرزی شگفت زیبا بود - به وی گفتند: ^{۱۵} «تو با تعجیل در فرود آمدن به نزد سرورمان زندگی خودت را نجات داده ای. و اینک وی را در خیمه اش توانی یافت، برخی از میان ما تا تو را به دست هایش بسپزند ترا همراهی خواهند کرد. ^{۱۶} وقتی در برابرش حضور یافتی، در قلبت هراسناک مشو، اما آنچه را برای گفتن داری به او بگو و وی با تو به نیکی رفتار خواهد کرد». ^{۱۷} از بین خود صد مرد برگزیدند که به وی و کنیزش ملحق شده آنان را به خیمه هولوفرن هدایت کردند. ^{۱۸} در سراسر اردو همه سراسیمه سر رسیدند زیرا خبر حضورش در خیمه ها پیچیده بود و در حالی که در بیرون خیمه هولوفرن منتظر بود تا فراخوانده شود، همه گرداگرش را فرا گرفته بودند. ^{۱۹} مردان اردو از زیبایی او به وجد آمده بودند و به خاطر وی به تحسین بنی اسرائیل پرداختند و به یکدیگر می گفتند: «چه کسی می تواند این قوم را که چنین زنانی دارد خوار شمرد؟ حتی باقی

۳:۱۱
داور ۱:۲۴
ار ۹:۲۱
۱۷،۲:۳۸

o- تحت اللفظی: و نه نفسی و نه تنی از زندگانی آدمیانش فروگذار نکرد. این سبک عبری است (ر.ک. پید ۱۷:۶).

^۵ یهودیه به وی گفت: «سخنان برده‌ات را پذیرا باش، که این کنیز بتواند در برابر تو سخن گوید و من به سرورم امشب دروغ نخواهم گفت.^۶ و اگر تو به سخنان کنیزت از در موافقت درآیی، خدا عمل تو را به سرانجامی نیکو خواهد رسانید و سرورم در این امری که در پیش دارد شکست نخواهد خورد.^۷ این همان قدر حقیقت است که نبوکدنصر پادشاه سراسر سرزمین، باشد که همتش بیاید، وی که تو را فرستاده است تا همه زندگان را برپا کند و به یمن تو نه فقط مردان خدمت می‌کنند بلکه حیوانات دشت‌ها، بهایم و پرندگان آسمان هم به یمن قدرت تو برای نبوکدنصر و خاندان وی خواهند زیست.^۸ ما در واقع از حکمت تو و مواهب روحی تو شنیده ایم و در سراسر زمین همه می‌دانند که در تمام این سرزمین تنها تویی که کفایت داری و پر تجربه‌ای و در مأموریت‌های جنگی شگفتی می‌آفرینی.^۹ و اینک گفتاری را که آخیور در شورای تو بیان داشته است، ما از مضمون‌های آن آگاه شده‌ایم، زیرا ساکنان بیت فولی وی را در بناه گرفته و وی نیز آنچه را در نزد تو گفته بود به آنان بازگو کرده است.^{۱۰} ای ارباب و ای سرور، از سخنان وی درنگذر، بلکه آنها را در قلب خویش نگاهدار، زیرا حقیقت را گفته است، چه نسل ما عقوبت ندیده و تا زمانی که علیه خدای خود گناه نکرده باشد، شمشیر بر وی اثری ندارد.^{۱۱} و اما اینک برای آنکه سرور من بدون آن که کاری صورت داده باشد، عقب ننشیند و مرگ بر آنها فرو ریزد، گناهی از آن سر زده

است، گناهی که هر بار مرتکب بی‌نظمی می‌گردند موجب خشم خدایشان می‌شود. لاو ۲۵:۲۴-۲۶ سمو ۱۲:۱۴
^{۱۲} از آنجا که آذوقه برای زندگی کم دارند و آب کمیاب است، تصمیم گرفته‌اند دست به چهارپایان ببرند و مصمم به مصرف آنچه از طریق تورات، خدا خوردن آن را برایشان منع کرده، هستند.^{۱۳} آنها تصمیم به مصرف نوبرگندم، عشبیه شراب و روغن که برای کاهنانی^P که در اورشلیم در حضور خدای ما هستند (تقدیس و تخصیص) داده شده و نگاهداری می‌کنند، گرفته‌اند که هیچ عامی حتی حق ندارد آنها را با دست خود لمس نماید.^{۱۴} و آنها را به اورشلیم فرستاده‌اند - زیرا آنانی که ساکن آنجا بودند همچنین کرده‌اند - افرادی مسئول آوردن اجازه شورای مشایخ شده‌اند.^{۱۵} پس همین که پاسخ دریافت کرده این کار را به انجام رسانند، همان روز برای نیستی خود تسلیم تو خواهند شد.^{۱۶} برای همین است که من کنیز تو با وقوف به همه این مطالب از نزد آنان گریخته و خدا مرا نزد تو فرستاده است تا با تو دست به عملیاتی بزنیم که باعث شگفتی سراسر زمین و هر کس که آن را بشنود خواهد شد.^{۱۷} زیرا کنیز تو پرهیزکار است و روز و شب در خدمت خدای آسمان می‌باشد. و الان سرورم نزد تو می‌مانم، برده تو شب هنگام به دره فرود خواهد آمد، خدای را نیایش خواهم کرد و او مرا خواهد گفت که چه هنگامی آنها مرتکب گناه خود خواهند شد. ار ۴:۲۲
^{۱۸} من باز آمده‌ام ترا خواهم گفت، تو با تمام لشکریانت بیرون شده در میان آنها حتی

p- تنها کاهنان مجاز به خوردن هدایای تقدیس شده بودند (ر.ک. لاو ۲۲:۱۰).

وی داده از شراب^f خودش برایش ببرند. دان ۵:۱
^۲ اما یهودیه گفت: «من از آنها نخواهم خورد تا از هر سقوطی در امان باشم: آنچه را با خود آورده ام مرا کفایت کند» دان ۸:۱
^۳ هولوفرن به او گفت: «و اگر ذخیره^s تو تمام شد از کجا درست مانند آن را برایت بیاوریم؟ زیرا کسی از نژاد تو در بین ما نیست». ^۴ یهودیه به وی گفت: «عمرت دراز باد، ای سرورم! برده ات هنوز همه ذخیره های تو را به مصرف نرسانده باشد که خدا با دست من آنچه را تدبیر کرده به اجراء خواهد نهاد!» ^۵ پس افسران هولوفرن وی را به سراپرده او درآوردند. او تا نیمه شب خفت و آنگاه مقارن پاس سحر^r برخاست. ^۶ کس فرستاده تا هولوفرن را بگوید: «باشد که سرورم عنایتی فرموده دستور فرمایند تا کنیزش برای نیایش بامدادی بیرون رود». ^۷ هولوفرن به نگاهبانان خویش دستور داد مانع وی نگردند. وی سه روز در اردو بماند، شب هنگام به مسیل بیت فولی رفته در اردو در چشمه استحمام می کرد. ^۸ وقتی از آب بدر می آمد، خداوند خدای اسرائیل را نیایش می کرد تا برای ارتقاء بزرگان قومش راه^u وی را هموار فرماید. ^۹ و وقتی باز می گشت، بی آرایش در خیمه اش می ماند^v تا لحظه ای که به هنگام غروب شامش را ^{۱۰} بیاورند. خروج ۲۸:۱۴

یک نفر هم با تو مقاومت نخواهد کرد. ^{۱۶} بعد من ترا به سرزمین یهودیه تا اورشلیم درخواهم آورد و تخت تو را در میان شهر خواهم نهاد. تو با آنان چون گوسفندانی که شبان ندارند رفتار خواهی کرد و حتی یک سگ^q نیز یافت نخواهد شد که در برابر تو بگرد. زیرا اینها از عالم غیب به من خبر داده شده است و مرا به نزدت گسیل داشته اند تا به تو بازگویم».

^{۲۰} سخنان وی هولوفرن و همه افسران را خوش آمد، آنها از حکمت وی به شگفت شدند و به وی گفتند: ^{۲۱} «از این کران تا به آن کران زمین، زنی به زیبایی چهره تو و دانش تو نباشد». ^{۲۲} هولوفرن به وی گفت: «خدا خوب کاری کرده است که تو را پیشاپیش قوم فرستاده تا برای دست های ما توانائی باشد و برای آنان که سرور مرا خوار داشته اند نیستی». ^{۲۳} آری به دیدار نیکو و به سخن بی همتایی: اگر همان کنی که گفته ای، خدای تو خدای من خواهد بود و تو در کاخ نبوکدنصر جای خواهی گرفت و در سراسر زمین مشهور خواهی شد».

اعد ۲۷:۱۷
 پاد ۱۷:۲۲

تث ۲۸:۶۴
 ۷:۸

ار ۸:۲۷

۷:۸
 دان (یونانی)
 ۲:۱۳

روت ۱:۱۶

مت ۲۶:۱۳

یهودیه در اردوی دشمن اقامت می کند

^۱ هولوفرن دستور داد وی را جایی برند که وسایل نقره آلاتش در آنجا بود و فرمان داد از غذاهای خودش به

۱۲

q- تحت اللفظی: بدون آن که سگی با زبانش علیه تو بگرد اصطلاح مأخوذ از خروج ۷:۱۱ و یوشع ۲۱:۱۰ است معنایش پیروزی قطعی است.

r- تحت اللفظی: از شراب خودش برای نوشیدن.

s- تحت اللفظی: وقتی آنچه را با خود داری.

t- پاس سحر، آخرین پاس شب است. این زمانی است که کمک خدا فرا می رسد (ر. ک. خروج ۲۴:۱۴).

u- راه یا طریق، سبک عبری رایجی در بیان رفتار و اقدام است.

v- می توان چنین نیز ترجمه کرد: و وقتی بی آرایش باز می گشت.

ضیافت هولوفرن

۱۰ آنگاه روز چهارم برای خادمان خاصه خود، هولوفرن ضیافتی ترتیب داد و برای هیچ یک از خدمه دعوت نفرستاد^{۱۱} به باگواس خواجه سرای خویش گفت: «برو زن عبرانی را که نزدت است قانع کن تا نزد ما آمده با ما بخورد و بنوشد^{۱۲} زیرا شرمسار خواهیم بود اگر بگذاریم این چنین زنی بدون آن که با وی مراوده داشته باشیم از نزد ما برود، اگر وی را جذب نکنیم ما را به تمسخر^W خواهد گرفت!»^{۱۳} باگواس از نزد هولوفرن بیرون شد و نزد یهودیه رفته وی را گفت: «مباد که این کنیز زیباروی از این که به نزد سرور من آید تا در حضورش عزت بیند و با ما، در خوشی و خرمی شراب نوشد و به این روز چون یکی از دختران بنی آشور که در خانه نبوکدنصر به سر می برند شود، تردیدی به خود راه دهد.»^{۱۴} یهودیه به وی گفت: «من که باشم که برخلاف رأی سرورم کنم؟ آنچه به دیدگان وی خوشایند باشد من به انجامش شتاب خواهم ورزید و تا به روز مرگم، این برایم مایه شادی باشد.»^{۱۵} وی برخاست به همه لباس ها و زیورهای زنانه خود را آراست. کنیزش از پیش رفت و در برابر هولوفرن برایش بر روی زمین پوست های گوسفندی که از باگواس برای مصارف روزانه گرفته بود پهن کرد تا بر آن برای خوردن دراز کشد.^{۱۶} یهودیه وارد شد و آرامید. قلب هولوفرن به سویش گرایش یافت، روحش به غلیان

استر ۳:

استر ۱۱:

پید ۳۸:۲۳:

اعد ۲۲:۱۶-۱۷:

جا ۷:۹:

رو ۳:۳:
استر ۱:
۴:۱۰:عا ۶:۴:
استر ۷:۸:
سمو ۱۳:۱:

درآمد و هوسی تند وی را دربرگرفت تا به وی درآید. زیرا از روزی که وی را دیده بود منتظر فرصتی بود که وی را بفریبد.^{۱۷} هولوفرن به وی گفت: «خوب! بنوش و با ما در عیش و شادی باش.»^{۱۸} یهودیه گفت: «خواهم نوشید سرورا زیرا امروز زندگیم^X برایم بالاترین بهای هستی ام را یافته است.»^{۱۹} پس در برابرش از آنچه برده اش آماده کرده بود خورد و نوشید.^{۲۰} هولوفرن که از وی بسیار شاد گردیده بود مقدار زیادی شراب نوشید، به حدی که هرگز از زمان تولدش آن همه ننوشیده بود.

۱۳

ادیر وقت، افسران عجله داشتند زودتر بروند. باگواس سرپرده بیرونی را بست و از برابر ابایش کسانی را که آنجا بودند، دور کرد. آنها برای خواب رفتند.^۲ همه از فرط شراب از پا درآمده بودند و یهودیه تنها در سرپرده با هولوفرن که بر بستر خویش دراز کشیده بود باقی ماند، چه غرق در شراب^۳ بود. یهودیه به کنیز خود گفته بود خارج از اتاق خوابش بماند و چون هر روز مترصد بیرون آمدنش باشد، زیرا گفته بود برای نیایش بیرون خواهد آمد و با باگواس نیز به همین مضمون حرف زده بود.^۴ به این ترتیب از خرد و کلان همه خود را کنار کشیده هیچکس در اتاق خواب نبود. یهودیه در برابر بستر هولوفرن ایستاده بود و در قلب خویش می گفت: «خداوندا،

۲- سمو ۱۳:۲۸:
اش ۷:۲۸:
هو ۷:۵:
جا ۱۰:۱۹:
مک ۱۶:۱۶:

داور ۳:۹:

داور ۴:۱۸:

داور ۴:۲۰:

W- تحت اللفظی: چهره ما از آن شرمگین خواهد بود.

X- تحت اللفظی: زندگانی در من امروز بیش از هر روز دیگری از بدو تولدم عظمت یافته (و به جلال و افتخار رسیده).

Y- تحت اللفظی: شراب روی او دورتادور ریخته شده بود.

نزد من فراخوانید تا بنگرد و آن کس را که خاندان اسرائیل را خوار می داشت بازشناسد که وی را به سوی ما فرستاده گویی به سوی مرگ فرستاده باشد». ^۶ آخپور را از خانه عزیا خبر کردند، همین که رسید و سر هولوفرن را در دست مردی دید در جمع مردان به روی درافتاده ضعف کرد. ^۷ وقتی وی را برپا داشتند، خود را به

دان ۲:۴۶
یوشع ۲:۱۱

پاهای یهودیه انداخت و در برابرش تعظیم کرده وی را گفت: «در سراسر خیمه های یهودا و در همه ملل متبارک باشی، که با شنیدن نام تو منقلب خواهند گردید! ^۸ و اینک از آنچه این روزها انجام داده ای مرا باخبر کن». یهودیه در میان مردم از آنچه کرده بود، از روزی که رفته بود تا لحظه ای که با ایشان حرف می زد برایش بازگو کرد.

یوشع ۶:۲۰

۱ مک ۴:۵۸

^۹ وقتی از سخن بازماند، مردم با صدای بلند فریاد کشیدند و در شهر فریاد شادمانی پدید آمد. ^{۱۰} آخپور با دیدن آنچه خدای اسرائیل انجام داده بود، به خدا قویاً ایمان آورد، مختون ^c گردید و تا به امروز ^d به خاندان اسرائیل پیوست.

خروج ۱۲:۴۸
یوشع ۶:۲۵
استر ۸:۱۷

پیروزی بر محاصره کنندگان

۱ مک ۷:۴۷
۲ مک ۱۵:۳۵

^{۱۱} وقتی سپیده زد، سر هولوفرن را از دیوار آویختند، همه مردان سلاح برگرفته گروه گروه به سوی حصارهای کوهستان بیرون شدند. ^{۱۲} همین که آنها دیده

برای شادی مدام تو، ترا به این شایستگی در خور دیده تا با نیکی هایش به دیدار تو آید، زیرا در برابر خفت نسل ما از زندگی خود دریغ نورزیدی و اما با راه ^a راست رفتن به حضور خدا از سقوط ما محافظت کردی.» مردم همگی گفتند: «همینطور باشد! همینطور باشد».

پید ۲۲:۱۶
۱ مک ۱۳:۵

مز ۱۰۶:۴۸
اتوا ۱۶:۳۶

^۱ یهودیه به آنان گفت: «ای برادران به من گوش دهید، این

۱۴

سر را گرفته آن را از کنگره های حصارهایتان بیاویزید ^۲ بعد وقتی آفتاب سرزد و نورش را بر زمین افشاند، هر یک از شما ابزار ^b جنگ خود را برداشته همه مردان کار آمد به بیرون از شهر روید، رئیسی در رأس آنان خواهید گماشت و وانمود خواهید کرد که به دشت به سوی نگاهبانی پیشقراولان پسران آشور می روید اما در واقع پایین نخواهید رفت. ^۳ آنان با

۱ سمو ۳۱:۱۰
۲ مک ۱۵:۳۳-۳۵
پید ۱۹:۲۳

دست بردن به سلاح های خود اردو را دربرگرفته و فرماندهان لشکر خود را بیدار خواهند کرد و آنان نیز به نوبه خود به سوی خیمه هولوفرن خواهند دوید و وی را نخواهند یافت، ترس بر آنان مستولی خواهد شد و از برابر شما پا به گریز خواهند نهاد. ^۴ شما آنها را تعقیب خواهید کرد، شما و هر کس که ساکن قلمرو اسرائیل است و آنها را در سر راه خواهید زد. ^۵ اما پیش از انجام آن، آخپور عمونی را

۱ سمو ۴:۱۳
مز ۴:۶

خروج ۱۶:۵

a. تحت اللفظی: قدم زدن در راه راست. منظور در این جا صحت اخلاقی نیست بلکه موفقیتی به فیض خدا نصیب یهودیه شده است که راهش را راست گردانیده است (۸:۱۲) و وی را درست به هدف رسانیده است (۱۱:۱۰).

b. تحت اللفظی: امور جنگی.

c. تحت اللفظی: پوست غلفه اش را ختنه کرد (برید).

d. اصطلاحی رایج در کتاب های وصفی عهد قدیم. معنایش در این جا آن است که تا زمان نقل کننده و نویسنده داستان بر سر زبان هاست. به عنوان مثال: بیعت راحاب و خانواده اش با بنی اسرائیل (یوشع ۶:۲۵).

فریادهای خشونت بار عظیمی سر دادند.

^۱ وقتی از خبر آگاه شدند، آنان

که در خیمه‌ها بودند از آنچه روی

۱۵

داده بود متعجب گردیدند.^۲ ترس و هراس

۳:۱۴
بوشع:۲
خروج:۱۵
اسمو:۱۱

بر آنان مستولی شد و دیگر نمی توانستند

روبه روی هم باشند^۱، اما همه، هر یک از

راهی، از دشت و از کوه پا به فرار گذاشتند

^۳ آنان نیز که در کوهستان در اطراف

بیت فولی اردو زده بودند پا به فرار نهادند.

و آنگاه بنی اسرائیل - همه کسانی که از آن

میان توان رزم داشتند - بر سر ایشان فرو

ریختند.^۴ عزیا به «بیت مستئیم» به

۱ پاد:۲۰

«بیای» به «حوبه» به «گلا» و همه قلمرو

اسرائیل کسانی را فرستاد که مأمور گزارش

داور:۷:۲۴
اسمو:۱۴:۲۱-۲۲

اموری بودند که به انجام رسیده بود و

دعوت از همه برای فشار آوردن به دشمنان

برای نابودیشان.^۵ وقتی بنی اسرائیل با

خبر گردیدند همه با هم بر سر ایشان فرو

ریختند و آنها را تا «حوبه» قطعه قطعه

پید:۱۴:۱۵
۱ مک:۷:۴۶

کردند. همچنین افراد اورشلیم سر رسیدند

و نیز افراد همه کوهستان، زیرا به آنها خبر

داده بودند که در اردوی دشمن چه گذشته

است. افراد جلعاد و افراد جلیل با در دست

گرفتن نیزه، ضربه‌های سهمگین بر آنها

وارد کردند و تا به دمشق قلمرو خود پس

شدند، پسران آشور فرماندهان خود را خبر

کردند، آنان از پی فرماندهان و همه

رؤسای خود برآمدند.^{۱۳} به در خیمه

هولوفرن حاضر شدند و به کسی که مأمور

همه کارهایش^۶ بود گفتند: «سرور ما را

بیدار کن زیرا بردگان^۷ شهامت آن را

یافته‌اند که علیه ما به پایین آمده ما را

درهم بکوبند تا کاملاً ما را از بین ببرند».

^{۱۴} باگواس وارد شده با دست به در خیمه

کوفت چه تصورش بر آن بود که هولوفرن با

یهودیه در بستر است.^{۱۵} چون دید کسی

جواب نمی‌دهد، در را باز کرده به اتاق

خواب وارد شد و وی را بر درگاهی^۸

پی سر، مرده یافت.^{۱۶} فریادی بلند

برکشید، گریسته، به ناله افتاد، نعره

برکشید و جامه بر تن درید.^{۱۷} به خیمه‌ای

که یهودیه در آنجا مسکن داشت وارد شد و

وی را باز نیافت. پس به سوی گروه برگشته

فریاد زد:^{۱۸} «بردگان مرتکب خیانت^۹

شده‌اند! زنی از عبرانیان مایه شرم خاندان

نبوکدنصر گردیده است. هولوفرن بر زمین

افتاده و سرش بر تنش نیست!»^{۱۹} وقتی

آنان این سخنان را شنیدند، فرماندهان

لشکر آشور جامه بر تن دریده، روحشان

عمیقاً منقلب گردید و در میان اردو نعره‌ها و

۱ سمو:۱۴

داور:۳:۲۵

۱ سمو:۴

پید:۲۷:۳۴-۳۸
۲ سمو:۱۱:۱
استر:۱

پید:۳۱:۳۳

داور:۹:۵۴

۲ سمو:۱۱

e. منظور باگواس خواجه است.

f. بردگان، منظور عبرانیان‌اند که محاصره کنندگان گمان می‌کردند عملاً مطیع و رام شده‌اند.

g. در ترجمه TOB آمده است: وی را مرده روی چهارپایه یافتند که به یونانی آن را خلونیس Khélonis می‌گویند که مشتق از خلونه Khélonè به معنای لاک پشت است، ترجمه به این ترتیب خالی از اشکال نیست. ما نیز به همراه بسیاری از مفسران همان معنا را که برخی از نویسندگان غیر مذهبی یونانی برگزیده‌اند اختیار می‌کنیم به این معنا که چهار پایه مدور به شکل لاک پشت برای تسهیل دسترسی به تخت خواب [osty فاقد این توضیح است].

h. اصطلاح مأخوذ از ۱- سمو:۱۳:۳ متن یونانی است. علاوه بر «زیرا گذاردن عهد» که با وضع موجود اسرائیلیان در برابر فلسطینیان منطبق است تا اهالی بیت فولی، واژه یونانی به معنای: «رد کردن تقاضا» یا «طرحی را بی‌اثر ساختن» که به این ترتیب در یهودیه ۵:۱۶ به کار برده شده است. در این جا جناسی هست که در تمهید بند تغزلی که از پی می‌آید وجود دارد.

i. تحت اللفظی: دیگر کسی نبود که در مقابل همقطارش ایستاده باشد.

وسایل منقولش را به یهودیه دادند. وی آنها ۱ سمو ۱۷:۵۴
را برداشته بار قاطرش کرده بر گاری هایش
بست و همه را بر آن بار کرد. ^{۱۲} همه زنان
اسرائیل برای دیدارش بر هم پیشی
می گرفتند و وی را برکت داده بسیاری از
آن میان با آوازی به افتخار وی همسرای
می کردند. یهودیه عشقه های ^k گل بدست
گرفته و به زنانی که با وی بودند می داد.
^{۱۳} با برگ های زیتون دیهیم بر سر خود
می نهادند، بعد وی به پیش همه آمده
همسرای زنان را رهبری می کرد. همه ۱ ارا ۳:۱۳
مردان اسرائیل، مسلح و تاج بر سر، وی را
همراهی می کردند و سرودهایی به صدای
رسا می خواندند. ^{۱۴} یهودیه این ۷ مز ۱۴۷
سپاسگزاری را در برابر همه اسرائیل به
آوای بلند سر می داد و همه قوم این ستایش
را از سر می گرفتند.

نشستند. ^۶ آنچه دیگران راست، آنانی که
ساکن بیت فولی بودند بر اردوی آشوریان
فرو باریدند و آن را چپاول کردند و ثروتی
۲ پاد ۱۶:۷ بزرگ بدست آوردند. ^۷ بنی اسرائیل، در
بازگشت از کشتار، صاحب آنچه باقی
مانده بود شدند، ساکنان شهرک ها و
کومه های کوهستان و دشت صاحب بسیار
۲ توا ۲۵:۲۰ غنایم گردیدند زیرا مقدار زیادی وجود
داشت.

شکرگزاری و سرود یهودیه

^۸ یهو یاقیم، کاهن اعظم و شورای مشایخ
بنی اسرائیل که ساکن اورشلیم بودند برای
دیدن نیکوئی خداوند در حق اسرائیل،
آمده بودند تا یهودیه را ببینند و وی را
سلام گویند. ^۹ همین که به نزدش رسیدند
بنی ۱۶:۳۶ همگی آنها وی را برکت داده گفتند: «تو
۴:۱۳ مایه شمع اورشلیم هستی! تو هلهله بزرگ
اسرائیلی! تو نماد بزرگ نسل مایی!
^{۱۰} همه اینها را با دست خود کرده ای، تو
نیکی به اسرائیل کرده ای و خدا آن را
پذیرا گردیده است. جاودانه از خداوند
پرتوان برکت یابی!» و همه مردم گفتند:
«این چنین باد!»
^{۱۱} همه مردم در مدت سی روز اردو را
چپاول کردند. سراپرده هولوفرن، تمام
نقره ها، خوابگاه و همه ظروف و همه

۱۶ یهودیه گفت:

«آوازی برای خدای من بردف ها ۳ مز ۳۳-۱
به طنین آورید، ۵-۴:۱۵
خداوند را بر سنج ها بخوانید،
از برایش مزمور و غزل بسرایید،
نامش را به زبان رانید، تجلیلش کنید. ۱ مز ۱۰۵
^۲ خداوند^۱ در واقع خدای درهم شکننده ۳ مز ۱۳
جنگ هاست. ۱۳:۳۲ اش
زیرا اردویش^m را در میان قوم بریا ۱۵:۲۳

J- تقریباً در همه دست نوشته های یونانی: برای جاودان، زمان: در یک دست نوشته یونانی: برای جاودان زمان، روایت لاتین قدیم:
برای زمانی جاودان.

k- اصل این واژه یونانی ریشه بت پرستی دارد. (Thyrse) چوبدست باکره معبد، متصل به پیچک ها و شاخه ها. این اشاره در
اینجا جالب است زیرا نشان می دهد که نویسنده اساساً مخالفتی با ذکر آیینی از دنیای شرک ندارد، یهودیان خود مراسمی
مشابه در اعیاد خود داشتند (لا و ۲۳:۴۰؛ اعد ۸:۱۵؛ مک ۱:۱۳؛ ۵۱) در ۲-مک ۷:۱۰ باز سخن از عشقه در میان است.

l- ر.ک. ۷:۹ توضیح.

m- در اینجا از ترجمه لاتین و نسخ سریانی تبعیت شده است. احتمالاً بایستی یک حرف در متن یونانی از قلم افتاده باشد، که
تحت اللفظی معنایش به صورت زیر درآمده است: زیرا اردویش را در میان قوم...

داشته	۱۶:۳۱ مز	و مرا از دست دژخیمان رها نیده است.
۳ آشور از کوه های شمال سرازیر شده با کرور لشکریانش آمد،	۱۵:۳۸ حزق ۲:۳۹	از سوزاندن سرزمین من سخن می گفتند:
انبوه آنها مسیل ها را مسدود کرد، اسبان آنها تپه ها را پوشاند.	۲۴:۳۷ اش	از نیست کردن جوانانم به شمشیر،
۴ از سوزاندن سرزمین من سخن می گفتند:	۹:۱۵ خروج	از به خاک افکندن شیر خوارگانم،
از تسلیم کودکانم،	۱:۱۴ هو	از تسلیم کودکانم،
به حمله و ربودن دختران جوانم.	۱۵:۱۳:۱۰:۹ ۸:۱۴ مز ۱۰:۳۳	۵ خداوند پرتوان به دست زنی،
۵ خداوند پرتوان به دست زنی،		آنها را عقب راند
۶ زیرا پهلوان آنها به زیر پای جوانان در نعلتیده است،		پسرا ن دیوها نبوده اند
پسرا ن دیوها نبوده اند		و نه غولهای عظیم الجثه که او را از پای
و نه غولهای عظیم الجثه که او را از پای		در آورده اند،
در آورده اند،	۱:۸	بلکه یهودیه دخت مراری است
بلکه یهودیه دخت مراری است		که جمال چهره اش او را مفلوج گردانید
که جمال چهره اش او را مفلوج گردانید	۳:۱۰	۷ وی لباس بیوگی از تن در آورد
۷ وی لباس بیوگی از تن در آورد		تا از پای افتادگان اسرائیل را برخیزاند،
تا از پای افتادگان اسرائیل را برخیزاند،		چهره اش را به عطر تدهین کرد
چهره اش را به عطر تدهین کرد		۸ او گیسوانش را به نواری بست
۸ او گیسوانش را به نواری بست		و رختی از کتان برای فریفتن او به تن
و رختی از کتان برای فریفتن او به تن		کرد.
کرد.		

n- برای وضوح بیشتر مطلب، کلمه «دیگران» افزوده شده که منظور دشمنان است... این قطعه ملهم از خروج ۱۴:۱۵-۱۵ است که ضعف محاصره شدگان را از یک سو و آشفتگی و هرج و مرج دشمن را از سوی دیگر نشان می دهد. بسیاری از نسخ گوناگون نشان می دهند که نسخه برداران متوجه تقابل موضوع نشده اند.

o- پسرا ن زن نما، فرزندان فراری نزد دشمن، دشنام تندی است که مأخوذ از ۱- سمو ۲۰:۳۰ می باشد که در عبری نیست. هر دو وجه اصطلاح در بین دو مصرع موازی قرار داشته و باید معرف افراد معین یعنی دشمنان باشند. این مطلب را تنها یک دست نوشته به یونانی، نسخ لاتینی قدیم و سریانی محفوظ داشته اند. دیگر دست نوشته های یونانی به صورت تحت اللفظی چنین معنا می دهند: پسرا ن زن نما، [این] فراریان نزد دشمن.

p- تحت اللفظی: که همه آفرینش تو یا همه آفریدگان... به نقل از مز ۳۳:۹، ۱۴۸:۵.

q- برابر ولگات و توازی مز ۳۳:۹ و ۱۰۴:۳۰... در زبان عبری دو واژه آفریدن و بنا نهادن ممکن است با هم اشتباه شوند.

عنوان نذر روی محراب معبد قرار داده به
خدای باز پس داد^{۲۰} قوم در برابر مکان
مقدس به مدت سه ماه به شادمانی پرداخت
و یهودیه با آنان به سر برد.

پایان زندگی یهودیه

^{۲۱} پس از گذشت این روزها هر کس به
میراث خود شد. یهودیه به بیت فولی
بازگشت و در مایملک خود ماند، در زمان
خود در سراسر کشور شهرت یافت.^{۲۲} چه
بسیاری که خواهان وی بودند، اما هیچ
مردی به روزهای عمرش از روزی که منسی
شویش در گذشته و به خویشان^۲ خود پیوسته
بود وی را باز نشناخت.^۳ وی با افتخاری^۵
بزرگ به پیری گرائید و در خانه شویش تا
سن صد و پنج سالگی پیر گردید و کنیزش
را آزاد کرد. او در بیت فولی درگذشت و
وی را در گور شویش منسی به خاک
سپردند.^۴ خاندان اسرائیل در مرگ وی
هفت روز ماتم گرفت. پیش از مرگ اموال
خود را بین خویشان نزدیک شویش منسی و خویشان
نزدیک خانواده اش تقسیم کرد.
^۵ دیگر کسی نبود که باعث واهمه
بنی اسرائیل باشد، چه در روزگار یهودیه و
چه روزهای بسیار بعد از مرگش.

^{۱۵} زیرا کوهستان ها با آب ها بر پایه های
خود بلرزند
مزن: ۱۸:۵
بنسی: ۱۶:۱۹
و صخره ها در برابر چهره تو، چون موم
ذوب گردند
مزن: ۹۷:۵
داور: ۵:۵
میک: ۱:۴
و آنان که از تو بترسند، تو همواره
مددکار آنان باشی.
مزن: ۱۰۳:۱۳
بنسی: ۱۷:۷
^{۱۶} یک قربانی با عطر خوش چیز مهمی
نباشد
مزن: ۵:۸-۱۳
بنسی: ۵۱:۱۸
و کمتر از آن روغنی که در قربانی های
سوختنی تو را تقدیم می دارند
اما هر کس از خداوند بترسد همیشه
بزرگ است.
مزن: ۱۰:۲۴
بنسی: ۱۰:۱۱-۲۵
^{۱۷} بد به حال مللی که علیه نژاد من
برمی خیزند!
خداوند پرتوان آنها را به روز داوری
با انداختن آتش و کرم به جانیشان،
عقوبت خواهد کرد
اش: ۶۶:۲۴
بنسی: ۱۷:۷
و آنان همواره از درد خواهند گریست!
^{۱۸} وقتی به اورشلیم آمدند، خدای را
ستایش کرده همین که قومی مطهر گردیدند،
قربانی های سوختنی با پیشکش های نذری و
هدایا تقدیم داشتند.^{۱۹} یهودیه همه اثاث
هولوفرن را که مردم به او داده بودند تقدیم
داشت، و اما پشه بند را که وی آن را برای
خود از اتاق خواب وی برگرفته بود به



^۲ یعنی در گور نژادش به خاک سپرده شد.
S- این اصطلاح در پید: ۸:۱۱، ۱:۲۴، ۱:۱۳، ۲:۱۰، ۷:۱، ۲:۳۶ سابقه دارد و منظور کهنسالی است.